



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

حامل ، کلبه نوین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

سال هشتم

شماره ۲۲۶۵

شماره ۳۸ مسلسل

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۳۸

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه بیست و دوم آبان ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب :

- ۱ تصویب صورت مجلس
- ۲ بیانات قبل از دستور آقایان : قنات آبادی - مهندس زیر کزاده صفائی
- ۳ بقیه مذاکره در لایحه ملی کردن ارتباط تلفنی از ماده سوم.
- ۴ تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و بیست و پنج دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای محمد ذوالفقاری (نایب رئیس) تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت مجلس

نایب رئیس - جلسه رسمی است صورت فائین جلسه گذشته قرائت می شود .
(شرح ذیل بوسیله آقای ناظرزاده قرائت شد)
غائبین با اجازه آقایان : مکی ، مهندس حسینی - محمد ذوالفقاری - دکتر بقائی - گنجی - اورنگ - دکتر فلسفی - غائبین بی اجازه آقایان : دکتر امامی - فتحعلی افشار - دادور - امیرافشار - معتمد دماوندی - محمد حسین قشقائی - راشد - تولیت - موسوی .
نایب رئیس - آقای کهید بفرمائید **کهید** - پیشنهادی که بنده در جلسه گذشته تقدیم کرده بودم و پس گرفتم عرض کردم با توضیحاتی که آقای وزیر امور خارجه دادند پس میگیرم این قسمت را اصلاح بفرمائید .

نایب رئیس - آقای بارسا بفرمائید **بارسا** بنده خواستم عرض کنم که جناب آقای موسوی چون مریض هستند و کسالت دارند اصلاح بفرمائید .
نایب رئیس - آقای مجد زاده بفرمائید .
مجدزاده - در ضمن عرایض بنده اشتباهاتی است که اصلاح میکنم و میدهم بمتد نویسی .
نایب رئیس - دیگر آقایان نظری نسبت بصورت مجلس ندارند؟ (گفته شد - خیر) صورت جلسه قبل تصویب می شود .
بیانات قبل از دستور - آقایان : قنات آبادی - مهندس زیر کزاده - صفائی
نایب رئیس - چند نفر از آقایان

تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند .
قنات آبادی - علت اینکه مزاحمت آقایان رافراهم کردم بیان چند مطلب و چند موضوع است که باز هم حس میکنم از نظر مملکت و حفظ موجودیت مائثر بسیار زیادی داشته است . البته آقایان محترم میدانند فعلا سیاست شکست خورده استعمار در ایران هدفش ایجاد تشنج است و برای اینکه بتواند استقامت ملت ایران را از بین ببرد سعی میکند که از هر گوشه و کناری تشنجاتی بوجود بیاورد و ناراضی هارا تحریک بکند . با ایجاد ناراضی بوسیله اعمال مخصوص که در دستگاه حاکمه دارد بنماید ، آقایانی که میخواهند دنبال نهضت مردم ایران بروند و خدمتگذار مردم باشند اینها وظیفه اولیه شان رفع این تشنج و ترک اعمال و حرکاتی است که آن اعمال و حرکات ایجاد تشنج میکند و یکی از مطالبی که میخواهم عرض کنم این است در این چند روزه یکمده زیادی ناراضی کرده و شاید اسباب زحمت و ناراحتی چند نفر از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی هم شده . این موضوع امتحان داوطلبان دبیرستان منحل شده دارائی است (صحیح است) البته آقایان اطلاع دارند که کویا دوپایه سال است دبیرستان دارائی منحل شده است اما با وجودی که چند سال است دبیرستان دارائی منحل شده است هر سال يك عده ای را بنام داوطلب ، بنام باقی مانده و تحت عناوین متعدد در وزارت فرهنگ امتحان میکنند و باین آقایان دبیرم دارائی می دهند - الا روی این مطلب چند نظریات و اغراض خصوصی بکاررفته که فعلا جای بحث نیست من از جناب آقای وزیر فرهنگ يك سؤالی کردم که این سؤال را تقدیم مقام ریاست میکنم و موقعبکه این سؤال مطرح شد سوء استفاده هائی که در تحت عنوان این داوطلبان دبیرستان دارائی شده است عرض

نمایندگان محترم میرسانم ، اما يك نکته ای را لازم است تذکر بدهم و آن این است که در چندی قبل تحت عنوان تصویب شورای عالی فرهنگ وزارت فرهنگ اعلام کرد ما از داوطلبان و مردودین سال گذشته امتحان می کنیم ، يك عده ای آمدند بنام اینکه داوطلب بودند در سال گذشته و بیمار بودند چون شورای عالی فرهنگ تصویب کرده است (این آقای خسرو قشقاقي هم ماشاء الله خیلی حرف می زنند) (زنك رئیس) (خسرو قشقائی - چه فرمودید؟) (ناصر ذوالفقاری - ایشان میگویند مزاحم بنده هستید) يك عده زیادی اسم نوشتند بعد هم با آنها گفتند بیائید تعرفه بگیریید تعرفه هارا پر کردند بعد هم از آنها نفری پنجاه تومان پول گرفتند بعد موقع امتحان که شد يك عده ده ، دوازده نفری را البته همانطوری که در این مملکت مرسوم بوده است از عزیزان بلاجهت اینهارا اجازه دادند و جواز دادند که بروند امتحان بدهند و قریب صد صد و پنجاه نفر از جوانهای مملکت را پشت درز سالن امتحان نگه داشته و با آنها گفتند که شما حق ندارید امتحان بدهید ، البته من میخواهم از آقای وزیر فرهنگ سؤال کنم که اگر این آقایان واجد شرایط نبودند چرا اسم آنها نوشته اند ؟ چرا با آنها گفته اند تعرفه بپر کنید ؟ چرا از آنها پول گرفتید علاوه بر این آنهایی که قبول کردند و اجازه دادند غیر از مردودین یعنی آنهایی که اسمشان را گذاشته اند و داوطلب که سال گذشته مریض بوده اند اگر آنها واجد شرایط نیستند آنهایی هم که قبول کردید و از آنها امتحان میکنید آنها هم کسانی بودند که واجد شرایط نبودند سال گذشته موقع امتحان مریض بودند بآدم مریض هم که نمیشود گفت داوطلب ، داوطلب آن کسی است که موقع ثبت نام برود ثبت نام بکند و موقع امتحان مریض بشود ، این آقایانی که اسمشان را نوشته اند هیچکدام سال گذشته ثبت نام نکرده

بودند مثل يك عده ای که در خارج الان سرگردان و بیابان هستند و بعد از پنج ماه بلا تکلیف می باشند البته موفقی که این سؤال مطرح شد من مطالب مفصلی در پیرامون این مطلب دارم و اطلاعات زیادی بمن رسیده است که عرض خواهم کرد و این سؤال را فعلاً تقدیم مقام ریاست میکنم يك موضوع دیگری که میخواهم بمرض آقایان نمایندگان محترم برسانم و واقعاً جلب نظر آقایان را بکنم این است همانطوریکه عرض کردم در این مملکت میخواهند ایجاد تشنج کنند و برای اینکه تشنج بوجود بیآورند نیرنگها و توطئهها و تقلبات عذیبه میکنند ، نظر آقایان هست که چندی قبل شهرت داده بودند حتی در جراید هم منعکس شده بود و غالباً آن روزنامه هائی هم که روی این مطلب فشار می آوردند و انواع و اقسام چیزهای گوناگون را جعل میکردند که سابقه آنها در صف شکستن ملت ایران و عموم مردم روشن و واضح بود و آن این بود که میگفتند حضرت آیت الله کاشانی کاندید نخست وزیر است البته مطلعین و آن کسانی که وارد سیاست و جریانات مملکت هستند می دانند که هیچوقت آیت الله کاشانی کاندید مقام ریاست وزارت نبوده است و علت اینکه مقام ریاست مجلس را هم قبول کردند روی آن هدف غائی و کلی بود که ایشان داشتند حفظ وحدت و و داد بین دستات پارلمانی بوده است لا غیر (صحیح است) مقصود از این که حضرت آیت الله کاشانی کاندید مقام نخست وزیر است البته ایجاد يك دسیسه ها و های و هوها و توطئهها و بالاخره مقصود غائی آنها تضعیف دولت د کتر مصدق است که صد درصد تمام ایام همیشه از طرف شخص آیت الله کاشانی با نهایت شدت و قدرت پشتیبانی میشود (صحیح است) بعد از مصاحبات بعد از بیانات محکم و روشن و صریح حضرت آیت الله کاشانی در مجالس و محافل و همچنین در مصاحبات البته این توطئهها نقش بر آب شد ، چندی است يك نقش تازه ای بکار زده اند و يك موضوع نوی را عنوان کرده اند و آن موضوع انحلال مجلس شورای ملی است این اشخاص این مطالب را عنوان میکنند که در اذهان مردم ایجاد تشنج تحت این عناوین بکنند گو اینکه آن اشخاص غالباً شناخته شده هستند و مردم آنها را می شناسند و مردم میدانند که آنها از چه منجی الهام می گیرند معذک که در بعضی از مواقع ممکن است که ایجاد يك ناراحتی ها يك سوء تفاهاتی بکنند ، برای من و مردم ایران این مطلب اصلاً غیر قابل قبول است مصدقی که يك عمر آزادی خواه بوده نباید در مقابل نمایندگان ملت بایستد و مفکر انحلال مجلس شورای ملی را بکند ، این مطلب اساساً مقبول نیست و نمی شود در پیرامون آن فکر کرد این هم یکی از آن توطئه هائی است که می خواهند

با انتشار اینگونه اخبار جعلی روحیه يك عده ای را تضعیف کنند يك عده ای را ناراحت کنند و همیشه در مملکت يك حال غیر عادی بوجود بیآورند البته همانطوریکه در تمام موارد متانت و اطلاع و روشن بینی نمایندگان محترم این توطئهها را باطل کرده در این مورد و موارد دیگر هم باطل خواهند کرد (صحیح است) يك مطلب دیگری که می خواهم از اینجا با اطلاع آقایان نمایندگان ملت برسانم و مردم ایران نیز اطلاع داشته باشند ، موضوع یکی دو خبری است که در روزنامه بنام روزنامه نیروی سوم نوشته شده است که گویا متعلق بآن آقای خلیل ملکی که از حزب زحمتکشان ملت ایران اخراج شده است میباشد ، من در این روزنامه خواندم که نوشته است هندرسن سفیر کبیر آمریکا خدمت حضرت آیت الله کاشانی شرفیاب شده است و از بیانات اینجانب در جلسه گذشته نسبت برویه ای که اصل ۴ ترومن دارد گله کرده است و نمیدانم حالا اصل ۴ را چه اسمش بگذارم و بوقول خودشان چون آنها ادعا میکنند که این مؤسسه يك مؤسسه خیریه است و البته اگر آقایان نمایندگان محترم بخاطر داشته باشند بنده عرض کردم وقتیکه بنا باشد کار خیر بکنند اول بروند سراغ اهم یعنی اگر ما در مقابل مان يك کسیکه هم مریض بود و هم گرسنه و در مقابل يك کس دیگری هم بود که گرسنه تنها بود اگر ما بخواهیم در تحت عنوان خیریه کمک بکنیم بآن گرسنه مریض استعانت میکنیم نه مستقیماً برویم شکم گرسنه را سیر بکنیم و آن گرسنه مریض را باغوش مرک بسپاریم ، من اینجا عرض کردم که اگر این مؤسسات از طرف ممالک مقتدر در ممالکی نظیر مملکت ما ایران بوجود می آیند و واقعاً قصد خیر داشته باشند اینها باید بروند سراغ آنجائی که بیشتر مردمش احتیاج بمرغان و آبادی و با اصطلاح سایر چیزهای دیگر دارند (صحیح است) نه این که بروند آنجائی که کمتر احتیاج دارند ، البته کمتر والا بر مردم ایران که در تمام نقاط ظلم فاحش بهشان شده من نمیخواهم بگویم مردم ایران در سایر نقاط صد در صد وضعیتشان فراهم است ولی يك قسمتهائی است که مردم آن وضعیتشان نسبت بسایر جاها صد درصد بدتر است ، یکجائیهائی است که از نظر آب بیشتر احتیاج دارند از نظر وسایل کشاورزی زیاد محتاجند ، اگر قصد و نیت خیر باشد اول آن ها بروند سراغ آن کسانی که بیشتر محتاجند ، بیشتر گرسنه هستند ، بیشتر تشنه هستند و حال اینکه اصولاً ما این مطلب را تجربه داریم و اگر بخواهیم باز هم تجربه کنیم همان خواهد شد من جرب المعرب حلت به النعمه ما تجربه کردیم که اساساً دول مقتدر لطفشان نسبت به دولتها و ملت هائی که از نظر زور اقتصادی و فیزاقتصادی در مقابل آنها صفر است ، لطف آنها مثل لطف كرك می ماند نسبت بگوسفند

(صحیح است) و برای ملت ایران که از زیر بار یکمچو مبارزه ای شدید ضد استعماری شانه علم گردداست دیگر اجازه ندهند داد این مقدمات و این توطئه چینی ها از ناحیه هر دولتی باشد در کشور او گسترده شود و این بساط پهن گردد ما اگر با فکر استعماری انگلستان مبارزه کردیم هر دولت دیگری هم که بخواهد این فکر را در این مملکت دنبال کند با او مبارزه میکنیم خواه این دولت اتحاد جماهیر شوروی باشد ، خواه این دولت ممالک متحده امریکا باشد (نمایندگان صحیح است) برای ما فرقی نمیکند لذا همانطوریکه که با عوامل و جناح طرفدار شرکت سابق نفت در این مملکت جداً مبارزه کردیم با عواملی هم که امروز در این مملکت علناً می گویند ما طرفدار سیاست شوروی هستیم مبارزه میکنیم و یا هر عاملی که پیدا بشود بگوید که ما طرفدار سیاست امریکا هستیم جداً مبارزه میکنیم و اجازه رسوخ هم نمی دهیم چون

سرچشمه شاید گرفتن ببیل

چو پر شد نشاید گرفتن ببیل
(بعضی از نمایندگان - اصلاح بفرمائید)
من نمی خواهم اینجا شعر بخوانم می خواستم توضیح بدهم آقای کریمی . . .

نایب رئیس - آقای قنات آبادی وقت شما تمام شده است

قنات آبادی - دوسه دقیقه دیگر عرضی دارم

نایب رئیس - بفرمائید

شمس قنات آبادی - بنا بر این

سر چشمه را باید با بیل گرفت و نگذاشت طوری بشود که نشود با بیل از آن گذشت ، ادبیات مخصوص قزوین است (خنده حضار) مطلب دیگری که می خواستم عرض کنم گو اینکه امروز هم موضوعش منتفی شده بیان يك حقیقت خیلی خیلی ساده است و آن این است که گلوله استاد خلیل طهماسبی اگر نبود وضع مملکت با آنجا نمیکشید ، من گمان نمی کنم هیچ شخص با وجدانی منکر این مطلب باشد چون بزرگترین عاملی که ملیون این مملکت را فلج کرده بود و همه چیز ما را تهدید می کرد آن کسی بود که گلوله استاد خلیل طهماسبی نابودش کرد اگر او نبود کار با اینجا نمی کشید من نمی گویم اگر مانع بر داشته نمی شد ملت تسلیم می شد ، من نمیگویم زعمای ملی دست از مبارزه ر می داشتند ، من نمی گویم جبهه ملی عقبی نشست نه جبهه ملی يك افراد مصممی داشت که اینها حاضر بودند تا سرحد ترك این مبارزه را دنبال کنند این مطلب را همه دیدند و همه هم قبول کردند اما آن چیزی که این مانع را بطور برق آسا از بین برد و مارا بسرعت برق بجلو راند گلوله استاد خلیل طهماسبی بود متأسفانه بعد از اینکه آقایان در این مجلس تصویب شد سنای سابق خیلی

معطل کرد و با وجود اینکه بنده روزی در پشت این تریبون عرض کردم خطاب بمجلس سنا که این دم شیر است بازی مگر معذک آنها چون بنده در گوشه های مبارکشان بود بادم شیر بازی کردند و هاقبیت رفت بر آنها آنچه که همه دیدند متأسفانه پس از تصویب و توشیح هنوز این استاد خلیل طهماسبی در زندان بسر میبرد و من با وجود این که شنیدم برای درج پروژنامه رسمی فرستاده اند ولی این شخص هنوز در زندان است انتظار دارم که وزارت داد گستری مقدمات خلاصی ایشان را از زندان فراهم کند یعنی ایشان همین دو روزه امروز و فردا از زندان بیرون بیایند و بروند عقب کسب و کارشان . مطلب دیگر تلگرافی است از قم ، از قم از تهران ، از تهران از تهران ، از تهران باز هم قم قم . شهر مذهبی قم . قم قم برای بنده رسیده است و اکثرش هم بعنوان حضرت آیت الله کاشانی است رونوشتش هم برای بنده خطاب با آقایان نمایندگان محترم مجلس که مردم و دستجات و اصناف مختلف تقاضا کرده اند وزارت داد گستری از مجازات نصرت الله قمی قاتل د کتر زنکته تخفیف قانونی قائل بشود یعنی يك درجه تخفیف بدهند ، این تلگرافاتی است که به بنده رسیده است من با بعضی از زعمای امور و مسئولین امر صحبت کردم راجع باین امر و مخصوصاً يك نکته ای را تذکر دادم و آن این است که گفتم درسی ام تیر در این مملکت ۷۰-۸۰ نفر از بهترین جوانهای ما در این خیابان از ظلم و جور باتکایك وحشیگری عجیبی شربت شهادت نوشیدند و هنوز مو از سر يك نفر از قتل این ۷۰-۸۰ از افراد ملت ایران کم نشده است یعنی آنهایی که باعث کشتار این ۷۰-۸۰ نفر شده اند يك مو از سرشان کم نشده است چه اصراری است که يك فردی از این مملکت که يك فردی از هیئت حاکمه را زده است اینقدر عجله دارند در زنا بود کردن او در حالی که زمانی که این نصرت الله قمی این عمل را کرد زمانی که گلوله را از طرف کتر زنکته خالی کرد موقمی بود که يك تبلیغات سوء علیه این شخص و تلم کسانی را که با رزم آراه همکاری می کردند بعد اهلائی شدت رسیده بود و این مرد تحت تأثیر این تبلیغات يك همچو عملی کرده است آن هم با این ایده و با این عقیده که منم مثل استاد خلیل طهماسبی میروم فدا کاری میکنم و یکی از خارهای راه را بر میدارم (کریمی) بد کرده هم او باید کشته بشود هم قتل ۳۰ تیر خیر اینطور نیست ، آقا امضای د کتر زنکته پای قرار داد کس کشتائیان است (کریمی) اگر بنا بشود خائنین کشته بشوند از د کتر زنکته خائن تر خیلی هست (منافات) ندارد اگر خائن خیلی بود پسکی را کشته نباید او را کشت حق فوق مقتضیات محلی

ایش (ناصر دولفقاری - اودر کابینه رزم آرا نبود او امضا نگردد بود) اگر وزیر کابینه رزم آراء نبود قانون کس گشتن را او امضا نکرد قانون مطبوعات اقبال - زنگنه را او نوشت قانونی که او نوشت پدر مردم را در زندان در میآوردند اصلاً آزادی را نوی این مملکت غنچه گرد چه اصراری است ۸۰ نفر از برادران ما را در این مملکت کشتند و یک مو از سر قتل کم نشده است یک فرد از هیئت حاکمه را کشته اند اینقدر باعجله او را محاکمه میکنند این وضع قابل دوام نیست غرض این تلگرافاتی است که تقدیم مقام ریاست میشود ، یک نامه ای هم هست از طرف زندانیان شیراز که این ورق قرآن مبارک را هم بآن ملحق کرده اند و این سوگند داده اند که باین قرآن این مطلب را بعرض آقایان محترم برسانم و آن این است که زندانیانی که در اعماق زندان سالها است مشغول جان کندن هستند دلشان خوش شده بود که لایحه تعلیق زندانیان میآید بمجلس و تصویب میشود و از نمایندگان ملت تقاضا کرده اند که این لایحه را زودتر طرح و تصویب بکنند و توجه سریع و دقیق بفرمائید (اخگر - امضا می کنیم)

نایب رئیس - آقای مهندس زیرک زاده

مهندس زیرک زاده - قبلاً یک تلگرافی است از بروجرد راجع باظهار خوشنودی از قطع روابط با انگلستان ، یک تلگرافی است از گرمابه داران مشهد راجع به بسته شدن مجلس سنا و یک چکی است بمبلغ ۳۵۰ تومان که کارگران شرکت ملی نفت مشهد برای کمک به بازماندگان شهدای سیام تیر داده اند تقدیم مقام ریاست می کنم بنده از اینکه وقت آقایان را میکسرم معذرت میخواهم ولی اوضاع مملکت و اوضاع خاص ایران وضعی است که بنظر بنده باید بعضی از مطالب مردم ایران گفته بشود در این روز ها در روزنامه های ایران و روزنامه های خلاجه هر روز صحبت از کردن صحبت از انقلاب صحبت از یک خط مشی های عجیب و غریبی است که منتشر می کنند و تمام آن ها برای سیاستی که دولت ایران و ملت ایران میخواهد دنبال بکنند ضرر دارد و لازم است که در مجلس ایران موقعیت مخصوص ما تشریح شود و هموطنان عزیز ما را چه آهائی که مسئولیت دارند متوجه این موقعیت مخصوص بکنند که از این نوع گفتار و از این نوع نوشته ها جلوگیری بشود بنده تصور میکنم که آقایان باینده هم عقیده هستند که هیچ وقت در تاریخ ایران لاف در تاریخ مشروطیت ایران موقعی بموقعیت فعلی برای ایران پیش نپسندیده است موقعیتی که هر عمل شما ممکن

است تأثیر فوری و آنی در حیات و مبادی مملکت داشته باشد البته تردیدی نیست که عملیات دولت ها در سر نوشت ملت و مملکت مؤثر است ولی ایندفعه وضع طوری است که ممکن است این تأثیر آنی و فوری باشد و همین طوری که عرض خواهم کرد شاید بعضی از عملیات فردای آن روز استقلال ایران را در خطر بیندازد از این جهت ما باینستی خیلی وقت بکنیم خیلی مراقبت بکنیم و عملیاتمان را خیلی عاقلانه و به نفع مملکت انجام بدهیم وضعیت داخل ایران یک وضعیت خاصی است ، وضعیت خاصی است که همه بهش توجه داریم و آن این است که برای اولین بار در مشروطیت ایران یک دولتی بر سر کار است یک شخصی زمامدار است که تمام مردم ایران اکثریت قریب باتفاق مردم ایران بآن شخص و آن دولت علاقه دارند آن شخص را طرفدار خودشان طرفدار منافع خودشان می شناسند در مجلس یک اکثریتی هست که از این دولت پشتیبانی می کند لویج این دولت را میگذرانند و باین دولت رأی می دهد یک وحدتی حقیقه یک وحدت ایرانیتی برای اولین بار در مجلس ایران ایجاد شده است این وحدت را نباید ناچیز شمرد این وحدت را نباید باغفلت بی نتیجه گذاشت موقعیت بین المللی ایران هم یک موقعیت خیلی مخصوصی است بنده میخواستم اجازه بخواهم همین موقعیت را یک قدری تشریح بکنم ایران را در دنیا جایش را تعیین بکنم ایران کجا قرار گرفته است فعل و انفعالات سیاستهای دنیا چه تأثیری در وضع ما دارد فعل و انفعالات سیاستهای ما چه تأثیری در دنیا دارد مامی شنویم که دنیا بصورت دابلوک در آمده ولی نمی دانیم بعد کافی در این تفکیک و بلوک ها وقت شده است یا نه ؟ و مخصوصاً رابطه این بلوک ها با ایران مطالعه شده است یا نه یک خطی از دریا های شمالی اروپا حرکت میکنند بعد از یک عده پیچ و خمها میرسد بسرحد غربی ایران در سرحد غربی ایران این خط می شکند و اهمیت در اینجا است که در سرحد ایران می شکند و این شکستگی تا سرحد شرقی هندوستان ادامه دارد از سرحد شرقی هندوستان دومرتبه این خط شروع میشود از جنوب آسیا عبور می کند از وسط چین و ژاپون بطرف شمال میرود این خط خطی است که دو بلوک کمونیسم و ضد کمونیسم را از هم جدا میکند این خطی است که ما در شکستگی قرار داریم و عبارتی که میگویند در حلقه شکسته این زنجیر ما و هندوستان هستیم یک وضع دیگری هم با آن روبرو هستیم وضعی را که بهش میگویند جنگ سرد جنگ سرد چون اسم دیگری نمی توانستند بهش بدهند نیمه جنگ و نیمه صلح را جنگ سرد گفته اند چون یک وضع خاصی است که در دنیا هست یک لغتی برایش اختراع کرده اند که میگویند جنگ سرد که با اندازه

کافی رویش بحث شده در اطرافش گفتگو شده اینجاست که بنده دیگر توضیح نمی دهم عملیات جنگ اعصاب عملیات تحریر و عملیات نقل و انتقالات بدون جنگ این را میگویند جنگ سرد این جنگ سرد از ۱۹۴۷ در دنیا شروع شده است تا ۱۹۵۰ این یک جنگ توأم با حرکت است یک جنگ دنیامیک است از ۱۹۵۰ یعنی از تاریخ شروع جنگ کریمه امروز این جنگ سرد یک جنگ استاتیکی است یک جنگ بی حرکت است اهمیت بحث بنده در این وضع خاص جنگ سرد است جنگ سرد بحالت بی حرکت در آمده است و جنگ سرد بحالت بی حرکت خواهد ماند و تمام یعنی که بنده میخواهم بکنم روی این حقیقت است که جنگ سرد بحالت بیحرکت می ماند چطور شده که جنگ سرد بحالت بیحرکتی در آمده علت آن اینست که وضعیتی ایجاد شد که تغییر آن وضعیت و تغییر و حرکت در این وضعیت جنگ جهانی را در دنبال خواهد داشت .

دنیا بیک مرحله ای رسیده است که کوچکترین تغییر مخصوصاً در نقاط حساس جنگ جهانی را در دنبال دارد و چون تمام دول بزرگ از حمله کردن و تهاجم در جنگ نفرت دارند هیچکدام جرات نمیکند مهاجم قلمداد بشوند هیچکدام جرات نمیکند حرکت بکنند برای اینکه بمجرد اینکه حرکت کردند جنگ جهانی در دنبال است و جنگ جهانی یک بلائی است که همه میخواهند ازش گریزان باشند این پیش آمد در دنیا باعث شده است که این جنگ سرد بحالت بیحرکت در آمده است و امید می رود که همینطور بحالت بیحرکت بماند تا موقعی که جنگ جهانی شروع شود (نبوی - انشاء الله هیچوقت شروع نمی شود) بلین زودیا هم انشاء الله شروع نمی شود در این وضعیت جنگ سرد بیحرکت ماهمینطور که عرض کردم در شکستگی قرار داریم ولی یک شکستگی مخصوصی یک شکستگی که قدر و قیمت ما را بی اندازه در وضع تعادل جهانی مهم کرده است ما چه بخواهیم وجه نخواهیم ایران یک موقعیتهائی دارد از نظر موقعیت جغرافیائی یکی از چهار راه های بزرگ دنیا است هر وقت که در دنیا یک واقعه جهانی روی داده ما در آن واقعه دخیل بوده ایم از روزی که ایران بوده است و تازمانی که ایران خواهد بود این است در هر امر جهانی ما دخیل خواهیم بود از جنگ های اسکندر بگیریم از جنگ های روم بگیریم جنگ های چنگیز و جنگ های ناپلئون و بالاخره جنگ های بنام جهان جنگ های جهانی خوانده شده است ما همیشه بوده ایم برای اینکه مادر این سه کجی سه قاره بزرگ دنیا آسیا و اروپا و آفریقا گیر کرده ایم هیچ کاری هم نمیتوانیم بکنیم ممبر قشورها هستیم و بوده ایم و خواهیم

بود ایجاد نفت هم موقعیت ما را وضع مهمتری داد مانده تنها خودمان نفت داریم در مرکز یکی از بزرگترین منابع نفتی جهان هستیم کسی که ایران را در اختیار داشته باشد نه تنها سی میلیون تن نفت زیادی دارد نفت طرف را هم بگیرد اگر ایران بدست شوروی بیفتد نفت خاور میانه نفت بحرین نفت سعودی در خطر است اگر ایران دست آنگلو سا کسون ها قرار گرفت معادن نفت فقاز در خطر است امریکه بمراتب از موجودی و ذخایر نفت ما مهمتر است باز هم یک موقعیت خاصی که ما داریم این است که در مغرب هندوستان قرار گرفته ایم هندوستانی که یک وقتی سیر بلایش بودیم امروز باز هم بایک وضعیت مخصوصی بایک هندوستان را نگه داریم هندوستان همانطوری که همه آقایان اطلاع دارند پس از اینکه استقلالش را بدست آورد سیاست خود را سیاست بیطرفی اعلام کرد هندوستان داخل هیچکدام از دو بلوک نیست و خودش را بیطرف نگهداشت و سیاستمدارانش مردانی هستند که ما مطمئن داریم که با فهم و با دانش هستند و قتیکه یک سیاستی را بیان میکنند می فهمند چه می گویند بنا بر این آنها در بیطرفی شان با بر جا هستند ولی بیطرفی هندوستان ارتباط به وضع ایران دارد برای چه ؟ برای اینکه همانطوری که عرض کردم خطی که دابلوک را از هم جدا میکند بمغرب ایران میبایستد دو مرتبه از مشرق هندوستان شروع میشود از شرق هندوستان دنیای انگلوسا کسون و دنیای بلوک شرق هر دو هست حالا اگر ایران خدای نخواسته در بلوک شرق قرار گرفت هندوستان در گاز انبرچین کمونیست و بلوک شرقی است و اگر خدای نخواسته در بلوک انگلوسا کسون قرار گرفت هندوستان باز در گاز انبر است گاز انبر بلوک آتلانتیک در مغرب و دنیای پاسیفیک در مشرقش در هر دو صورت هندوستان در گاز انبر است و بنا بر این هندوستان نمی تواند سیاست بیطرفی خود را ادامه بدهد مگر اینکه یک ایران آزادی باشد بنده نمی دانم تا چه اندازه این وضعیت خاص این ارتباط سر نوشت که ما بین ما و هندوستان برقرار است در هندوستان مورد توجه است ولی در هر حال امر مسلمی است که اگر هندوستان بخواهد در دنیا آزاد باشد اگر هندوستان بخواهد سیاحت آزادی داشته باشد باید ایران آزادی باقی بماند پس جای این بود که هندوستان در موضوع نفت کمک بیشتری بماند ولی ما پیش مشکلات آنها وارد نیستیم و نمی دانیم تا چه اندازه مشکلات اقتصادی دارند در هر حال این امر خوب است که در ایران ما لاف مورد توجه بیشتری قرار بگیرد و رابطه ما با هندوستان رابطه خیلی خیلی نزدیکتر از این

باشد بطور خلاصه از نقطه نظر بین المللی و داخلی وضع ملین است که اگر چنانچه حرکتی ایجاد بشود اگر نقل و انتقالی در وضع ایران ایجاد بشود جنگ جهانی در بین است و چون جنگ جهانی نمی تواند باشد و هیچکدام نمی توانند جنگ جهانی را برقرار بکنند پس نقل و انتقالی نخواهد بود یعنی مطمئن می توانیم باشیم که نیروهای خارجی با ایران نمی توانند حمله کنند ولی متأسفانه در وضعی که جنگ سرد جریان دارد در وضع دنیا برای اینکه یک مملکتی از یک بلوکی داخل یک بلوک دیگری بشود یا از بلوکی بلوک دیگری برود فقط از راه حمله مسلحانه نیروهای خارجی نیست همین طور که عرض کردم در مملکت ما اکثریت قریب باتفاق مردم طرفدار دولت دکتر مصدق و شخص دکتر مصدق هستند اگر در این مملکت یک اتفاقی روی داد که یک دسته دیگری با کودتا توانستند خودشان را تحمیل بکنند بر مردم ایران و در دنیا روشن است که این عمل دست ایرانی نیست و دست خارجی است اگر دسته ای توانستند بر ملت ایران و اراده ملت ایران غالب بشوند و مسلمانان دنیا می دانند که آنها را دست خارجی تقویت کرده است بنابراین این دسته به طرفی که تکیه بکنند تکیه کرده باشد ایران را داخل آن بلوک کرده اند اگر دسته ای که در ایران می خواهد کودتا بکنند خدای نکرده موفق شداگر از نوکران انگلستان باشد شاماداخل در بلوک انگلوسا کسون شده اید و اگر بستگی بدسته های شوروی داشته باشد شاماداخل در بلوک شوروی هستید چه بخواهید و چه نخواهید و بنابراین نتیجه یک چنین اقدامی فردایش ده روز بعدش جنگ بین المللی است آن کسانی که کله های پوک مغزهای خالی یا خیانتکارانی که یک چنین نقشه هائی را در سرشان می پیوراند شاید متوجه نیستند که چه میکنند و نمی دانند که با این عمل نه تنها استقلال و آزادی و بقای ایران را در خطر می اندازند بلکه تمام بشریت را در خطر می اندازند ملت ایران قبلی بایستی مراقب این وضعیت باشد دولت همچنین مجلس ایران بایستی بنوکران خارجی بدستجاتی که بخارجی ارتباط دارند فرصت اینرا بدهد که مملکت ایران را به طرف نابودی بکشانند یک موقع هائی هست که ما میتوانیم بخودمان بعضی اجازه هارا بدهیم بگویم هائی هست که بچگی کثافت کاری، یا حتی خیانت چند نفر ما را چند سال عقب می اندازد ولی هستی ما را از بین نمی برد الان ما در یک مرحله ای هستیم که این عملیات هستی ما را در خطر می اندازد

نایب رئیس - وقت جنابعالی تمام شده است.

مهندس زیر کزاده - بنده چند کلمه دیگر عرض داشتم.

نایب رئیس - اگر چند کلمه

است بفرمائید.

مهندس زیر کزاده - عرض می کنم در این موقعیت بایستی ببینیم که ملت ایران و دولت ایران چه سیاستی را می تواند اتخاذ کند سیاست خارجی بکلمتی این امر مسلمی است (ممکن است یکمده ایادی خارجی نوکر بیگانه غیر از این بگویند) ولی امر مسلم این است که سیاست خارجی بکلمت باید مورد قبول افراد آن مملکت باشد و اگر یک سیاستی باشد که افراد مملکت قبول نداشته باشند این سیاست خارجی عملی نیست پس سیاست خارجی ما باید سیاستی باشد که اول مطابق میل و تمایل و منافع مردم ایران باشد و در مرحله دوم امکان پذیر باشد (صحیح است) امکان پذیر در سیاست، تفاوت آنهاست که موقع شناس و اهل واقعیت هستند و تفاوت آنهاست که خیالیاف هستند اینجاست خیال باف چیزی را میخواهد که نمیشود توجهی ندارد با پنجیزی که میخواهد شدنی است یا نه؟ ولی آن کسی که توجه بواقعیت دارد دنبال چیز شدنی می رود تردیدی نیست که ملت ایران خواهان سیاست بیطرفی است ملت ایران نمیخواهد داخل هیچکدام از این دو بلوک بشود (صحیح است) و اینعلافه باندازه ای شدید است که حتی دولت های دست نشانده سابق مجبور بودند این جا بیایند و ادعای سیاست بیطرفی بکنند ملت ایران همیشه سیاست بیطرفی را میخواهد و همیشه دنبالش بوده است ما خودمان در حزب ایران بارها این موضوع را مطرح کردیم و باین نتیجه رسیدیم که این سیاست بیطرفی نه تنها ممکن است، دیگر متناسب با استقلال ما وجود ندارد (صحیح است) اگر غیر از این سیاستی بگیریم استقلالمان در خطر افتاده است (عامری) بشرط قوای کافی که هر کس تجاوز کرد جلویش را بگیریم) هر سیاستی فسوه میخواید اصلا سیاست بدون قوه لفظ است همانطوریکه بنده عرض کردم با وضع دنیا با وضع دو بلوک اساساً نقل و انتقال ما، بوزیسیون گرفتن ما داخل شدن ما در یک بلوکی از نقطه نظر خارجی غیر ممکن است اساساً بر ما تحمیل است اگر غیر از این بکنیم خودمان را در جنگ انداخته ایم دنیا را در جنگ انداخته ایم (پورشریب ما همیشه بی طرف بوده ایم) الان عرض می کنم بی طرفی لفظ نیست آقای بی طرفی عمل است ما حرفش را زدیم ما تا شرکت ملی نفت بدستمان نیفتاده بود بی طرفیمان مسخره دنیا و آسان وزمین بود (صحیح است) دنیا را که ما نمیتوانیم مسخره بکنیم یک شرکت خارجی در این ما بوده تمام زندگی ایران را زیر سر داشت و یک عده ای میگفتند ما بیطرفیم آخر مردم دنیا که مسخره ما میکنند که بی طرفیم

بی طرفیم ولی در آن روزیکه شما این پایتخت بزرگ را از بین برداشته آن روز میتوانست بگوئید بی طرفیم ولی معنی بیطرفی مرتباً عمل کنیم در بیطرفی دولت دکتر مصدق بگانه دولت بیطرفی است که میتواند بگوید که من بی طرفم و دنیا بهش ریشخند نکند و دنیا قبول بکند برای اینکه عملیاتش در این جهت بوده است (صحیح است) ولی آنهاست که میامدند پشت این تریبون میگفتند ما بیطرفیم و بعد سفیر خارجی را در هیئت دولت راه میدادند آن ها مسخره میکردند خودشان را و دنیا را عرض کردم سیاست بیطرفی ما حالا از ممکنات است برای همین وضعیت که در داخل شما دولتی دارید که این دولت را جهانیان بحرفش و در جهت بی طرفی مؤمن هستند و میدانند که دروغ نمیگوید ولی همینطوری که عرض کردم و جناب آقای عامری اشاره فرمودند سیاست بیان یک عده الفاظ نیست سیاست یک عده اقدامات است یکمده عملیات است شما که میگوئید بیطرفی باید عملیاتتان در جهت بی طرفی باشد یعنی همانطوریکه فرمودید باید نیروئی داشته باشیم در ایران که دستجات منسوب بیکدیگر از این بلوکها نتوانند اراده خودشان را بر ما تحمیل کنند باید مملکت ما این طهران ما یا پایتخت ما جولانگاه جنگ سرد نباشد یک دسته ای به تحریک روسها با آمریکاها فحش بدهند یک دسته ای بتحریک آمریکاها روسها فحش بدهند اینک بیطرفی نشد این عمل احمقانه ترین عملیات است برای اینکه شما اگر بی طرف نبودید وارد یک بلوک بودید یک دشمن داشتید یک دوست حالا با این وضعیت تمام دنیا را میرنجانید این که حقیقتاً سیاست ملانصرالدینی است ما در این مملکت اسمش را بگذاریم که میخواهیم بیطرف باشیم ولی صفحات روزنامه ما نطقهای ما بجنهای ما حمله از یک طرف بطرف دیگر است این بان فحش بدهد آن بان فحش بدهد این که آقا نمیشود

نایب رئیس - وقت جنابعالی تمام شده است.

مهندس زیر کزاده - چند دقیقه دیگر ممکن است اجازه بفرمائید

نایب رئیس - پس اجازه بفرمائید رای بگیریم

لمایندگان - همه آقا موافقت مخالفی ندارند

نایب رئیس - معذک باید رای گرفته بشود چند مرتبه صحبت بفرمائید

مهندس زیر کزاده - ده دقیقه

نایب رئیس - آقایانیکه موافقت ده دقیقه دیگر آقای مهندس زیر کزاده صحبت کنند قیام بفرمائید (اکثر برخاستند)

مهندس زیر کزاده - این خطری که برای سیاست بیطرفی است و عرض کردم

که صلح جهان و استقلال ما را در خطر می اندازد از خارجی نیست و خطر فقط از داخل است چون عرض کردم خارجی نمیتواند به ایران حمله کند خطر فقط در داخل است در داخل یک دسته کسانی هستند که یاد چپاوها و غارت های گذشته خواب را بهشان حرام کرده بهتر تریبی است میخواهند دومرتبه بازم آن اوضاع بر گردد و بازم همینطور مملکت را چپاول کنند اینها بیشتر از بستگان سیاست غلط انگلستان هستند و خاصیت این ها خوشبختانه در این است که کله های پوک و توخالی که حقیقتاً عرضه هیچ کاری را ندارند ولی خیالیاف و زود تحریک شو هستند در جهت دیگر دسته ای هستند که آنها با اسلحه عقیده و مسلک هم بمیدان می آیند البته مبارزه با اینها مشکل است مبارزه ایست که حقیقتاً با علم و منطق و استدلال باید توأم باشد ولی در هر صورت باید ملت ایران متوجه این مبارزه باشد و بخودش و همه افراد ملت ایران بایستی حالی کرد فهماند که آقا موضوع مباحث فلسفی الان مطرح نیست الان استقلال ایران مطرح است الان مبارزه ما با این دستجات یک مبارزه برای بقا هستی ایران است منتهی بعضیها نمیتوانند بواقع این او کس آزادی را باین ترتیب تحمل بکنند و بایستی ملت ایران در این کار مراقبت بکنند البته بنده معتقد نیستم که عقیده سیاسی را که حتی بصورت یک مذهبی ممکن است در بیاید نمیشود باجوب و حماق و تهدید از بین برد این منطق ندارد باید با منطق، با همان اسلحه ای که بمیدان می آیند با همان اسلحه عمل کرد و بزرگترین اسلحه آنها که اصلاحات است باید از دستشان گرفت (صحیح است) اصلاحات ایران که همه در اطرافش بحث کرده اند بنده نمی خواهم بحث کنم ولی آقا اصلاحات ایران یک مانع کوچکی دارد که فوق العاده بزرگ است این مانع کوچک عبارت از این است که برخلاف آن چیزی که بگفته ام تصور می کنند که اصلاحات فقط بوسیله دولت انجام بگیرد این اشتباه است اصلاحات اول شرطش وجود یک ملت اصلاح طلب است (خلعالی) بفرمائید ملت اصلاح طلب نیست؟ اگر ملتی اصلاح طلب نباشد هیچ دولتی اصلاحات نخواهد کرد هر قدر هم که آن دولت اصلاح طلب باشد و برعکس هر وقت یک ملتی اصلاح طلب باشد هیچ دولتی نیست که بتواند در مقابل اصلاحات مقاومت کند (خلعالی) حالا بفرمائید که ملت ایران اصلاح طلب نیست؟ اصلاح طلبی ملت نه این است که فقط بگویند اصلاح طلبی ملت این است که با اصلاحات کمک بکنند یک مثال کوچکی عرض میکنم شهرانی می آید و یک بوق زدن قدفن است این خیلی ساده است بنده هر شب در نزدیک منزلت آقایان است که می آید یک کلمه می خواند و می گوید که آقا بخودش زحمت ندهد که از او سبب

مهندس زیر کزاده - بنده چند کلمه دیگر عرض داشتم.

نایب رئیس - اگر چند کلمه

مهندس زیر کزاده - این خطری که برای سیاست بیطرفی است و عرض کردم

پایه شود برود آن افکارا صدا بکنند بنا میکنند بیوق زدن از این مثال کوچک ... (خلخالی قیاس مع الفارق است نسبت به اصلاحات ساسی اینطور نیست) بنده قیاس نمی کنم بنده این مثال کوچک را زدم که بدانید در اصلاحات همکاری مردم لازم است اگر مردم همکاری نکنند شما نمیتوانید اصلاحات کنید (صحیح است) ممکن نیست دنبال هر فرد ایرانی يك آژان، يك پاسبان و يك ژاندارم فرار بدهید در اصلاحات مردم بایستی خودشان همکاری بکنند اصلاحات این نیست که ضررش را فقط خانه همسایه بدهد همه باید حاضر بشوند در راه اصلاحات فداکاری کنند این فداکاری از تحمل يك ذره خستگی پیاده شدن از اتومبیل شروع میشود تا اینکه آدم ممکن است مالش یکقدری برود املاکش برود وحتى ممکن است يك عده ای وجودشان در خطر بیفتد بایستی برای اصلاحات تحمل کرد و دنبال اصلاحات رفت (خلخالی - این نهضت ایران برای همین است قیام ملت برای همین است) اگر شما بخواهید در این مملکت تصور کنید که فقط دست دولت و اقدام دولت این مملکت را نجات خواهد داد در خطاهای باید تمام مردم این مملکت کار بکنند يك موقعیت مخصوصی بدست آمده است بدانید که بزرگی ریخت و پاش دارد اگر می خواهید مستقل باشید ، اگر می خواهید در دنیا بعنوان يك ملت آزاد شناخته بشوید باید روحیه نوک ، روحیه برده که می خواهد همه برایش کار کنند و بیاورند توی دهنش بگذارند بگذارید کنار همه باید کار بکنند ، همه زحمت بکشند و همه حاضر بفاکاری باشند (صحیح است) در این صورت می توانید در دنیا اسم و رسمی که پیدا کرده اید نگاهدارید در حرفه ایمان ما باید وقت کنیم يك روزی بود در این مملکت توی مجلس مملکت هر جا و هر مقام این مملکت هر حرفی میزدند کسی اهمیت نمی داد امروز آقای حرفه ای شما در دنیا مورد توجه است ، امروز صحبت های شما را بررسی میکنند امروز شما را يك ملت قهرمان می شناسند باید شایستگی قهرمانی را داشت باید شایستگی آزادی را داشت آزادی را ببرد را ببرد ما نمیشود داد ، نمیشود به برده آزادی داد باید روح آزاد روح آزاد منش یعنی روحی که حاضر بفاکاری حاضر به گذشت است داشته باشد امیدوارم ملت ایران که بنده یقین دارم ملت ایران خیلی پیشروتر و مترقی تر از خیلی اشخاصی است که خودشانرا از ملت ایران بالاتر میدانند (صحیح است) ملت ایران همیشه ماها را در راه نجات و نگاهداری استقلال ایران راه نمائی میکنند (احسن است)

از مجلس شورای ملی میگردد چه صورت لایحه ای که دولت بمجلس بیاورد و چه صورت طرحی که آقایان نمایندگان بیاورند بایستی مطابق با موازین و قواعد مسلمة دین اسلام باشد (صحیح است) (قنات آبادی - هست) حالا میرسیم بنده که عرض نکردم یکی از اصول مسلمة اسلام که متخذ از آیات و روایات معتبر است این اصل است که مال هیچ مسلمانی را بدون رضایت و طیب خاطر او نمی توان گرفت (مهندس حسینی - مال او را) مال او را بله (مهندس حسینی - چون همیشه بدکاران در پشت این لباس خودشان را نگه میدارند) (زنك رئیس) توجه بفرمائید بنده عرایضم را بحضور محترم آقایان نمایندگان و تمام مردمی که میشوند عرض میکنم آقایان هر چه بفرمائید بفرمائید بنده عرایضم را می کنم و آقایان اگر اعتراض دارند البته بموقع خودش اعتراض خواهند کرد بنده هم عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای صفائی يك ربع بیشتر وقت ندارید بسؤال و جواب نپردازید .

صفائی - این اصل مسلم که عرض کردم متخذ است از آیات و روایات معتبره لاتا کلو الاموالکم بینکم بالباطل صریح قرآن است لاتحل المال المسلم الا بطیب نفسه این يك روایتی است نه تنها يك روایت است باین مضمون روایات بسیار است خلاصه این است که مال هیچ مسلمانی حلال نیست برای کسی مگر اینکه با طیب نفس خودش اجازه بدهد حالا از این مقدمات میخواهم این نتیجه را بگیرم که این لایحه ای که باین مواد جناب آقای مهندس معظمی بمجلس آوردند مطابق اصول مسلمة اسلام نیست (قنات آبادی - ابداً همچو چیزی نیست) میفرمائید اینطور است در رساله تان بنویسید ممکن است اگر جنابعالی متقاعد نمیشوید از حضرت آیت الله کاشانی استفتاء کتبی میکنم که آقایان مال این صاحبان سهام و شرکت تلفون را بگیرند با این وضعی که نوشته شده است آیا مشروع است ؟ مطابق قاعده هست ؟ یا نیست ؟ اگر ایشان نوشتند هست بنده هم سکوت میکنم و عرض نمیکنم (شمس قنات آبادی - اموال مال صاحبان سهام نیست ۲۲ میلیون کلاهبرداری کرده اند خوب نیست لژی بکنده دزد حمایت بشود عجب مصیبتی است آخر این حرفها خوب نیست آقا) صیر کنید عرض کنم . (قنات آبادی - خوب نیست این حرفها) گوش کنید اموال مال صاحبان سهام است . (کریمی - ۲۲ میلیون مال بانک است) یا اموال مال صاحبان سهام است یا مال طلبکاران است (قنات آبادی - شما میدانید صاحبان سهام کی هستند ؟ من نمی شناسم خارج از دوشق نیست یا اموال مال صاحبان سهام است یا مال طلبکارها غیر از این دوشق شق دیگری نداریم یا اموال مال

صاحبان سهام است یا مال طلبکارها و آن کسانی که ششصد تومان و هزار تومان داده اند (قنات آبادی - ششصد تومان را که میدهند) ششصد تومان را بدهند چهار صد تومان را می گویند ما نمیدانیم ششصد تومان را میگویند بگذار اینک ما تلفن دادیم در ظرف ده سال با آنها حساب میکنیم استهلاک میکنیم این چه دادنی است ؟ شش سال هفت سال در تحت فشار و ظلم شرکت تلفن بودند حالا بعد از این باید دولت بهشان زور بگوید (قنات آبادی - آن کسانی که این ششصد تومان را دادند بلا شرط دادند) آقا جناب عالی اگر بخواهید بنده را از عرایضم منصرف بفرمائید نمیشود بنده باید عرایضم را بکنم (قنات آبادی - بنده نمیخواهم منصرف بکنم بنده میخواهم عرض کنم آن ششصد تومان را آنهایی که تقاضای تلفن کرده اند بلا شرط داده اند باین شرکت علاوه بر این ششصد تومان نمیکند دفاع از آنهایی میکنید که دزدانید) (زنك رئیس دعوت بسکوت) بلا عوض نداده اند برای تلفن داده اند تلفن بدهد و وامشان را هم با صدی شش بدهد چند سال است شرکت نگاه داشته است و نداده است حالا هم آقایان میخواهند در ظرف ده سال استهلاک کنند بعد از اینکه تلفن بهشان دادند و معلوم نیست در چه تاریخی تلفن بهشان بدهند خلاصه گذشته از این جهات اساساً این وضعیت باعث یأس و نا امیدي شرکتهای ملی است در مملکت برای اینکه مردم دیگر سرمایه شان را بکار نمیدانند

قنات آبادی - بفرمائید کدام شرکت ها تا من نشان بدهم چه قدر در آنها دزدی شده

نایب رئیس - آقایان بین الاثنین صحبت نکنید .

صفائی - و اگر یک چنین وضعی در کارشان پیدا شد فوراً میگویند دولت می آید این شرکت را ملی میکند (قنات آبادی - کدام شرکت ؟) تمام شرکتهای ملی و تمام کارخانجاتی که شرکت سهامی هستند و یا بعد از این میخواهند تشکیل شرکت بدهند دیگر جرات نمیکنند باین وضعیت تشکیل شرکت بدهند (قنات آبادی - ندهند) می گویند تا یک وقفه ای در کارمان پیدا شد دولت فوراً میآید تصاحب میکند (همه نمایندگان زنك رئیس دعوت بسکوت)

(در این موقع عده ای از نمایندگان از تالار جلسه خارج میشدند) بسیار خوب اگر آقایان میخواهند مطالب بنده را بشنویید مراهم نمیتوانید منصرف کنید این کار شما ضرر مملکت است (کریمی ملی شدن يك اصل صحیح است) (زیربان - این حرفهای شما ضرر مملکت است) حق بنده محفوظ است (باخروج چند نفر جلسه از اکثریت افتاد) چند نفر از نمایندگان - تنفس بدهید

نایب رئیس - با اجازه آقایان ده دقیقه تنفس بدهیم

(يك ربع قبل از ظهر جلسه بعنوان تنفس تعطیل مجدداً در ساعت یک ربع بعد از ظهر تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای صفائی بفرمائید بیهانات خود را بدهید

صفائی - منظور بنده از عرایضی که خدمت آقایان عرض کردم این نبود که توهین و جسارتی نسبت با آقایان کرده باشم العباد بالله نسبت بی دینی و بی ایمانی با آقایان داده باشم بنده این منظور را نداشتم منظور بنده تذکر بود که اگر میخواهید این کار را انجام بدهید باید طوری باشد که حقوق و اموال مردم از بین نرود سه رقم مال در این شرکت ملی هست که باید بپردازم داده شود یکی مال صاحبان سهام یکی هم ششصد تومانهای است که بعنوان وام گرفته اند از مردم و یکی هم طلب بانک ملی است که ۲۲ میلیون تومان طلبکار است در صورتیکه پنج میلیون تومانش فرع است و باین شرکت پول را با صدی نه منفعت داده است حالا من کار ندارم اینجا بی انصافی کرده است بانک یا نکرده است ببنده مربوط نیست و يك چهار صد تومانهای هم هست که مردم داده اند غیر از آن ششصد تومان و آنهاست که بعضی که تقاضای تلفن کرده اند ششصد تومان را که دادند گفتند چهار صد تومان هم بدهید تا شما سهم بدهیم هزار تومان از مردم پول گرفتند و يك کاغذی بهشان دادند و قید کردند در صورتیکه مجمع همگانی شرکت تشکیل شد و تصویب کردند به آقایان سهام بدهیم حالا این ششصد تومان هم باز در این لایحه در نظر گرفته شده است ولو اینکه بدجوری در نظر گرفته شده بعد از اینکه تلفن بهشان دادیم در ظرف ده سال مستهلاک میکنیم و بعنوان حق الکماله حساب می کنیم خوب يك مدت شرکت تلفن پول مردم را ضبط کرده بود و حالا يك مدت هم دولت میخواهد بگیرد البته دولت اختیار دار است من کار ندارم ولی حساب این چهار صد تومان هم رسیدگی شده است این چهار صد تومان تحت کدام عنوان است ؟ عنوان وام که ندارد شرکت بعنوان وام نگرفته این چهار صد تومان ما را باین عنوان گرفته که سهم بدهد و سهم هم که نداده پس نه داخل در صاحبان سهام میشوند و نه داخل در این ششصد تومان (ملك مدنی - آن پول جزء بدی شرکت است) چهار صد تومان بدی شرکت است بله بنده منظورم از این عرایض این است که کاری بکنید که حقوق مردم و اموال مردم محفوظ باشد و طلب مردم را بدهند آنوقت برای صاحبان سهام اگر چیزی ماند بدهد اگر نماند اصلاً ندهد برای اینکه شرکت گاهی ضرر میکند گاهی منفعت میکند این صاحبان سهام یا منافع کرده اند یا نکرده اند ولی کسانی که این شش صد تومان را داده اند هیچ منفعت نکرده اند پولشان هم چند سال است در دست این

صفائی - بسم الله الرحمن الرحيم طبق اصل دوم متمم قانون اساسی قوانینی که

پولشان هم چند سال است در دست این

شرکت بعنوان واح مانده است و هنوز هم
 تلفن فرستاده اند اینها را پولشان را بدهید
 این چهارصد تومان را هم بدهید این
 وقت اگر چیزی باقی نماند ضرر کرده
 است میگویند خدا حافظ شما این منظور
 بنده است حالا اگر آقایان این منظور
 را تأمین فرمائید در مواد آتی بنده عرضی
 ندارم من منظورم این است که حقوق و
 اموال مردم داده بشود و این مغالطه این
 سفسطه ای که جناب آقای وزیر امور خارجه
 فرمودند این سفسطه ای که اینجاست تریبون
 فرمودند این سفسطه ما را قانع نمی کند
 جنابعالی فرمودید که معرف هر شرکتی
 سهام آن شرکت است و جواب جنابعالی را
 هم آقای مجدزاده دادند و بیانشان بسیار
 منطقی بود که سهام شرکت سه جور
 قیمت دارد سه جور ارزش دارد یکی ارزش
 حین الانحلال است که ارزش حین -
 الانحلالش را شما باید رعایت فرمائید
 البته شما که این شرکت را منحل میکنید
 مستقیماً بایستی ارزش حین الانحلالش
 معلوم بشود (فنات آبادی - بمعلومات ماضیه
 شده) البته آدم هر چیزی را از زبانها لسانها
 یاد میگیرد مسلم است خدا عالم من
 افواه الرجال مگر کودن باشد بعد از گفتن
 هم باز نفهمد (خنده نمایندگان) یکی این
 که فرمودید آجر آجر ما نمی توانیم
 قیمت کنیم ما نفهمیدیم؟ ما نگفتمیم که شما
 آجر آجر قیمت کنید علی ای حال من باب انجام
 وظیفه این عرض را بعرض آقایان رساندم
 (احسنت)

**(۳) بقیه مذاکره در لایحه
 ملی کردن ارتباط تلفنی
 از ماده سوم**

نایب رئیس - با اجازه آقایان وارد
 دستور مشوریم ماده سوم لایحه تلفن قرائت
 میشود
 (بشرح زیر قرائت شد)
ماده ۳ - برای تأسیس و نگاهداری و
 بهره برداری تلفن در کلیه شهرها وزارت
 پست و تلگراف
 و تلفن بنمایندگی دولت شرکتی بنام شرکت
 سهامی تلفن ایران با سرمایه ۵۰۰ میلیون
 ریال که عبارت از ۵۰ هزار سهم ده هزار
 ریالی است در تهران تشکیل میدهد و سهام
 آن بانام و کلامتعلق بدولت خواهد بود
 تبصره - تأمین ارتباط تلفن میان شهر
 های داخلی کشور بوسیله ادارات بی سیم
 و تلفن دولتی وزارت پست و تلگراف و
 تلفن انجام میگیرد
نایب رئیس - آقای حائری زاده

فرمائید
حائری زاده - بنده اصولاً عقیده
 دارم که دولت برای بیکارها باید فکری
 بکند اینکار را از دست مردم بگیرد
 خودش اداره کند حالا ممکن است بعدها

طرز فکر طرز تربیت اجتماعی، طرز تشکیلات
 مملکت بشکلی اصلاح بشود که دولت بتواند
 تمام کارها را خودش اداره بکند زینه گانی
 مردم را هم تأمین کند که یک نفر بیکار در
 مملکت باقی نگذارد برای ایام پیری و
 کوری و شکستگی و بدبختی مردم هم دستگاه
 بیمه اجتماعی داشته باشد که مردم با یک
 آسایش خیال و روحی کارهای مملکت را
 در تحت سرپرستی دولت انجام بدهند و این
 که جزء آمال ملت ایران است بسا عمل
 دو تاست من دیشب و پریشب در روزنامه دیدم
 که جناب وزیر دارائی در کمیسیون بودجه
 راجع بکسر بودجه اینکه تا حالا پیش آمده
 است برای کسرش طرفی پیش بینی
 کرده اند که یکی فروش خالصجات است ما
 اگر اصل ملی شدن را قبول کنیم باید املاک
 دیگر را هم دولت اداره بکند نه اینکه
 خالصجات را که خودش اداره میکند بفروشد
 به مردم که مردم اداره کنند من موافقم با این
 نظر جنابعالی، مصالح مملکتی امروز مقتضی
 این است که برای بیکارها کار تهیه بشود
 و کارهایی را که خود دولت در اداره اش
 وسیله کامل ندارد که خوب بتواند اداره بکند
 باشخاص واگذار بکند که منافعی خصوصی
 آنها موجب بشود که سعی و عمل بیشتر
 برای بهره برداری زیادتر داشته باشد ولی
 در این ماده مینویسد برای تأسیس و نگاهداری
 و بهره برداری تلفن در کلیه شهرها وزارت
 پست و تلگراف و تلفن بنمایندگی دولت
 شرکتی بنام شرکت سهامی تلفن ایران
 با سرمایه ۵۰۰ میلیون ریال که عبارت
 از ۵۰ هزار سهم ده هزار ریالی است
 است در تهران تشکیل میدهد و سهام آن
 بانام و کلامتعلق بدولت خواهد بود یک
 تبصره ای هم دارد که با تبصره اش من کاملاً
 موافقم تبصره اش میگوید تأمین ارتباط
 تلفن با سیم بی سیم با خارج از کشور و
 همچنین ارتباط تلفن میان شهرهای داخلی
 کشور بوسیله ادارات بی سیم و تلفن دولتی
 وزارت پست و تلگراف و تلفن انجام میگیرد
 این مطلبی است بسیار صحیح چون یک
 دستگاه ناقص فعلاً هست این را ممکن
 است کاملش بکنند که تمام شهرستانها بتوانند
 با یکدیگر صحبت بکنند با خارج مملکت
 هم صحبت بکنند و اداء این امر هم چون
 مقدماتش بدست وزارت پست و تلگراف
 شروع شده و فعلاً ناقص هست تکمیل بشود
 و مردم راحت بشوند، اینجا بتوانند با
 کرمان صحبت کنند، بتوانند با اصفهان و
 کاشان هم صحبت بکنند ولی نسبت به تلفن
 داخله شهرها نظر من این است هر شهری
 خود شهرستان برود شرکتی درست بکند
 تلفنش را درست بکند ما چرا در این موقع
 بی پولی بیاییم اجازه بدهیم که ۵۰ میلیون
 پول دولت برده دولت از بانک ملی وام
 بگیرد و تأسیساتی در شهرستانها و مراکز برای

اداره تلفن بکند تلفن اصفهان اگر قدر
 داخله اش هم خوب است من که در تهران هستم
 هیچ وقت احساس خرابی آنجا را نمیکند
 فقط تلفن های شهر تهران را وقتی میبینم
 بدکار میکنند داد و فریاد میکنیم در خراسان
 همین جور، در آذربایجان و گیلان همین جور
 اگر در هر شهرستان اهالی همان شهرستان
 خودشان برای تلفن یک شرکتی تشکیل
 بدهند و نظارت شهرداری را هم ذخالت
 بدهند بر اینکه میخواهند خیابانها را خراب
 بکنند سیم کشی بکنند فلان بکنند یک سهامی
 هم شهرداری هر محلی داشته باشد مردم هر
 محل هم شرکت هائی درست بکنند برای
 یک عده بیکار هم کار تهیه میشود زندگانی
 شان را هم تأمین میکنند اما اگر دولت
 خواسته باشد تمام کارها را اداره بکند و
 وسائل و اسباب و اشخاص و دستگام مجهزی
 نداشته باشد وضعیت بدتر از امروز است
 من یقین دارم که بهتر نخواهد شد در ماده
 پیش صحبت میکردم که این شرکت تلفن
 دو سه جور طلبکار دارد یک طلبکاری بود
 که بانک بود که اموال شرکت تمامش
 پهلوی او وثیقه بود برای آن بیست و چند
 میلیون طلبی که داشت
 یک دین هم این بود که آقایان صحبت کردند
 ششصد تومان و چهارصد تومانی که از اهالی
 گرفته اند در شهرستانهای دیگر نمی دانم
 یکی دیونی است که فلان گترت را داده
 است، فلان دستگاه را خریده است بچند
 میلیون لیره یک مبلغ را داده و یک مبلغش
 باقی مانده و هنوز نداده آنهم یک قسمت
 از قروض است که این قروض باید داده
 شود و هر چه زیاد آمد مال صاحبان سهام
 است و اینکه در اینجا حمله میشود بصاحبان
 سهام بنده عرض کردم هیچ سهمی ندارم ولی
 صاحبان سهام اکثرشان هیچ تقصیری ندارند
 و آمواله شان از دست هیئتهای مدیره ای
 بود که تا بحال حقوق آنها را تضییع کرده
 اند و حقوق مملکت را هم تضییع کرده اند
 مثلاً بنده که میخواستم صحبت کنم وسیله نبود
 ده دقیقه تلفن گرفته ایم کسی دیگر جواب نمی
 دهد این سوء اداره باعث شده است که حق
 من که میخواستم صحبت کنم تضییع شده
 برای اینکه اگر حسن اداره بود ممکن
 بود که از این شرکت در ظرف این چهل
 پنجاه سال یک عایدات حسابی بصاحبان سهام
 هم برسد فلان پیرزنی که جدش، مادرش
 صاحب سهام بوده و از او ارثی بهش رسیده
 این چه تقصیری دارد، این صاحبان سهام
 اکثرشان بی تقصیرند مثل اینکه فلانی یک
 حبه ملک جمع آباد رسیده یک چهار سهم
 تلفن هم از ثوابش بهش رسیده است این
 محل از تراشش بوده است عایداتی بهش
 ندادند، بدبخت داد و فریادش هم بلند است
 (تیر تیر) این صاحبان سهام هستند که
 هیئت مدیره را تعیین کرده اند همیشه ما می

صنم انتهایانی که میشود در ایران چه جور
 شاید دارای صاحبان سهام از دستشان می
 گیرند این يك دوسه عده ای دارند که
 باید برویم سراغ هیئتهای مدیره ای که حقوق
 آنها را تضییع میکردند دولت باید يك لایحه ای
 برای هیئتهای مدیره بیاورد (خلغالی -
 در عین لایحه ماده ای دارد) من معتقدم که
 باسلام و صلوات همه رای می دهیم که اینها
 را تعقیب بکنند که چرا حقوق افراد و مملکت
 تضییع شده ولی ما اینجا داریم کمک بآن
 ها میکنیم، خرابیهای آنها را میگوئیم
 مملکت خبران کند و از پول مالیاتی که
 دولت از پیرزن و بیوه زن میگیرد و سرمایه به
 بانک ملی میدهد از آنجا قرض بکند و بدهد يك
 کسانیکه يك پول هائی گرفته اند و نفله
 کرده اند شما بی تقصیر یا با تقصیر هر دو
 را با هم طرف حمله قرار میدهید يك عده
 مردمان بیگناهی هستند که حقوق آن ها
 تضییع شده که صاحب سهم بوده اند و يك
 دسته مردمان با گناهی هستند که بعنوان هیئت
 مدیره تحصیل شده اند اعضای هیئت مدیره
 بعضی رخصت کشیده اند و بعضی تخریب
 کرده اند بعضی متضرر شده اند بعضی منتفع
 شده اند این مطلبی است که حالا بدبخت
 نیست، اما این موضوع ماده سوم من مخالفم
 که دولت بیاورد يك شرکتی تشکیل بدهد
 که تمام سهامش مال خودش باشد و کار را
 از دست مردم بگیرد، من معتقدم که شرکت
 ها در دست مردم باشد دولت باید شرکت
 هائی درست بکند مردم را تشویق بکند و برای
 اینکه خواسته باشد مردم هم راه بیفتند خودش
 ممکن است نصف سهام را قبول بکند و
 نصف دیگر را مردم در هر شهرستانی
 مالک شوند، خود مردم محل شرکت بکنند
 نظارت بکنند که اگر وضع بدی را دیدند
 تذکر بدهند و اقدام بکنند و الا دولت
 هیئتهای مدیره ای که در تهران داریم دولت
 هائیکه می آیند و میروند اینها تا آتش بسامان
 خودشان نگرفته خوابشان سنگین است
 توجه نمیکنند هر چه فریاد از ولایات بلند
 شود فریاد از خرابی و ناامنی و بی نظمی
 بلند شود گوششان باین جرفها بدهکار
 نیست فرصت نمیکند سرگرم کارهای جاری
 و عادی مرگز هستند و این تلفن ولایات
 را ببقیده من اگر خواسته باشم بپندازید
 و کمک کنید باید بگوئید که صدی سی
 صدی چهل صدی پنجاه سهام را خود دولت
 قبول میکند بقیه را خود مردم محل شرکت
 بکنند
 و تأسیسات عام المنفعه آبرومندی داشته
 باشند حالا آن قسمتهائی که ارتباط مابین
 شهرستانها و با ارتباط شهرستانها با خارج
 ایران است آنرا دولت باید حقا اقدام
 بکند و هر چه نقص دارد مرتفع کند که کلیت
 موفق بشود
نایب رئیس - آقای وزیر پست
 و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - (مهندس معظی) در جلسه گذشته خاطر آقایان را مستحضر کردم از اینکه موضوع ارتباط موضوعی است که ثابت شده در دنیا که بایستی دست دولت باشد (صحیح است) و تمام کشورها بجز یک نقطه در دست دولتها است بنا بر این روی همین فکر دولت به خیال افتاد که ارتباطی که در ظرف پنجاه سال قبل تا بحال هنوز برقرار نشده و شرکت استفاده از امتیاز نامه ای که داشته است نکرده است با وجودی که دولت در موارد مختلف بآن شرکت کمک کرده باین دلیل باید دولت این ارتباط را در دست خودش بگیرد بلکه تا چند سال دیگر موفق بشود این ارتباط را که لازمه حیات امروزی است برقرار کند (صحیح است) و ما روی این اصل این عمل را کردیم و خاطر آقای حائری زاده را مستحضر کردم که ما کسی را بیکار نکرده ایم ما اشخاصی را که در اینجا بکار میکنند سرکارشان برقرار کردیم ولی آن اشخاصی را از کار برکنار کردیم که تا حالا کاری انجام نداده اند (شمس قنات آبادی - یعنی مفت خورها را بیکار کردید) خلاصه بیکارها را بیکار کردیم و بعلاوه تمام هم این شرکت آنچه که تا حال کرده فقط منحصر به تهران بوده است و الان هم هر گونه مساعدتی باین شرکت بشود جز ایجاد این چند شماره تلفن در تهران مسلم بدانید در ولایات اقدامی نخواهد کرد (صحیح است) (حائری زاده - حق ندارد کسی باین شرکت کمک بکند کی طرفدار این است که باین شرکت کمک بشود؟) و ما برای اینکه این ارتباط را ایجاد کنیم اقدام باینکار کردیم و اینکه مکرر آقای حائری زاده فرمودند که صاحبان سهام نصیری ندارند من این فلسفه را نمیتوانم قبول کنم جناب آقای حائری زاده چرا؟ برای اینکه هر شرکتهای مجمع عمومی دارد و مجمع عمومی برای اینست که خلافتکاری های هیئت مدیره را در آن رسیدگی کنند وقتی که صاحب سهم اینقدر لایق است که سهم خود را تومانی سه شاهی بفروشد و میدهد بکسانی که طبق امیال وهوی و هوس خودشان رفتار کنند من آن صاحب سهام را مقصر میدانم (صحیح است) اگر صاحبان سهام در هر شرکتهای بوظایف خودشان عمل کنند مسلم بدانید این اوضاع ایجاد نمی شود؛ این علتش فقط تقصیر صاحبان سهام است پس بنا بر این آنها مقصرند (حائری زاده - مقصر نیستند قاصرند) و یکی اینکه اظهار نگرانی میفرمائید از اینکه وضعیت تلفن از این بدتر خواهد شد جناب آقای حائری زاده ما الان پست را بنده قول جنابعالی میدهم که ما هر چه اقدام میکنیم وضعیت از این بدتر نخواهد شد در دست داریم من نمیگویم وضعیت پست الان ایمنه آل است ولی با اطمینان بقاطع ایران بدون تأخیر یا با تأخیر یکی دو روز بادشاهی ارتباطی برقرار است و کالبدی بدست شما

میرسد ولی بعد از پنجاه سال شرکت تلفن این شرکت ملی که اینجا عمل کرده بکار کرده جز ایجاد شهزار یا شهزار شماره تلفن با تادیبه ۵۰ میلیون تومان آنها غیر قابل استفاده که تمام مردم ناراضی هستند بنا بر این آنقدر جای نگرانی نیست و مسلم بدانید که وزارت پست و تلگراف طرز اداره اش در این شرکت هر چه هم بد رفتار بکنند بهتر خواهد بود (احسن است)

نایب رئیس - آقای کههد همه آقایان ثابت شده است که هر کسی با تلفن سروکاری دارد واقعاً عصبانی خواهد شد برای اینکه آنطوری که شاید و باید اگر شرکت تلفن وظیفه خودش را انجام می داد ما اینقدر دچار زحمت نمیشدیم و اگر غیر از وزارت پست و تلگراف کسی دیگری این کار را بعهده میگرفت شاید جای نگرانی بود ولی بطوریکه آقایان مستحضرنه وزارت پست و تلگراف وزارتخانه است که باین که بودجه بسیار کمی در اختیار دارد با وجود این وسایل ارتباط راهمانطور که آقای وزیر پست و تلگراف توضیح دادند تا یک حدی مرتب کرده است بنده فقط این جا می خواستم تذکری خدمت جناب آقای وزیر پست و تلگراف عرض کنم ما متأسفانه سابقه تلخی داریم از دستگاههایی که توسط دولت اداره شده است من جمله قضیه برق است، این شرکت برق تهران و من امیدوارم یک موقعی بیاید که این برق تهران را هم یک سروصورتی بهش بدهید، ما اختیار دادیم آقا بیک شرکتی بنام شرکت مستقل برق ملاحظه بفرمائید این وضع برق تهران است که ما الان داریم در این شهر (پورسرتیب - پیشنهاد بفرمائید که ملی شود) کاش ملی میشد (اخگر - ملی که هست) از طرف دیگر جناب آقای وزیر پست و تلگراف توجه به تلفن ولایات هم بفرمائید (دکتر مصباح زاده - مخصوصاً بندرعباس) و حتی من معتقدم بیکانه چیزی که امروز نمی توان ارزش صرف نظر کرد ارتباط تلفنی یا تلگرافی است که باید ایشان سعی بکنند که حتی قضایای که دویاسه هزار نفر جمعیت دارند وسائل ارتباطشان را درست بکنند امروز چند چیز مورد احتیاج عامه است اول راه است، تلفن است رادیو است اینها را باید یکی بعد از دیگری اصلاح کنند و همینطور باید سعی کنند مردم را هم شرکت بدهند در این کار های عام المنفعه بنده معتقدم که دولت باید مریخی خوبی باشد شرکتها را باید دولت تقویت کند هر جا عیب دارد آن عیب را مرتفع کنند و بدست خود مردم بدهند و خود مردم بخوبی آنرا اداره کنند والا اگر سوء استفاده هائی شده است باید شدیداً مرتکبین مورد تعقیب قرار بگیرند و از طرف دیگر همینطور که صحبت شد حقوق آن صاحب سهم کوچک هم باید محفوظ باشد این است که توجه جناب آقای وزیر پست

و تلگراف را باین قضیه جلب می کنم که آن مردی که آمده است صد تومان صد تومان پنجم خزینه است یا آن پیر زن اینها باید حقوقشان محفوظ شود بنا بر این بنده معتقدم چند چیز را آقای وزیر پست و تلگراف تأمین کنند و اهم آنها عبارت از اصلاح کلیه مکالمات تلفن و تلگرافی و آنچه که مردم را با هم بگرمربوط می کند در ولایات و مخصوصاً تمام هم شما نباید مطوف تهران باشد من توجه شما را بولایات جلب می کنم و خواهش می کنم که در این مورد مخصوصاً توجه بفرمائید.

نایب رئیس - پیشنهاد کفایت مذاکرات رسیده قرائت می شود (بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد می کنم که پس از بیانات یک نفر موافق و یک نفر مخالف در ماده سوم رای گرفته شود و کبیل پور

جمعه از نمایندگان - مخلفی نیست

ناصر ذوالفقاری - چون مخالفی ندارد محتاج برای نیست

نایب رئیس - باید رای گرفته شود رای می گیریم بکفایت مذاکرات آقایان که موافقت فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. پیشنهادات قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد) این جانب پیشنهاد می نمایم تبصره زیر باده سوم اضافه شود تبصره - این قانون در ظرف مدت ۳ ماه وضع تلفنی ولایات را مطابق احتیاجات محلی تأمین و اصلاح نماید. کههد

نایب رئیس - آقای کههد کههد بنده همانطوریکه در اصل ماده توضیح دادم بوسیله این پیشنهاد خواستم توجه جناب آقای وزیر پست و تلگراف را جلب کنم و از ایشان خواهش کنم که وضع تلفن ولایات درست بشود و پیشنهاد بنده را قبول بکنند تنها طهران نیست که باید همه چیز را داشته باشد ولایات هم حقی دارند این مردم مالیات می دهند زحمت می کشند اهل این مملکت هستند همینطوریکه تهران باید از همه چیز استفاده کند ولایات هم باید استفاده کنند ولی متأسفانه ولایات استفاده نمی کنند ولایات نگران دارند نه بهداری دارند هیچ چیز ندارند اقلایک تلفن بهشان بدهید این است که من تمنی می کنم که جنابعالی این پیشنهاد را قبول فرمائید و یک تصمیم مراجع بتلفن ولایات بگیرید

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف وزیر پست و تلگراف - (مهندس معظی) - بنده همانطوریکه عرض کردم نظر جناب آقای کههد را تأمین میکنم برای اینکه منظور وزارت پست و تلگراف از این

عمل همین بود که تلفن ولایات را تأمین بکند ولی از لحاظ مدت که فرمودند باید بوزارت پست و تلگراف وقت بدهید

کههد - یکسال مدت را قبول بفرمائید

نایب رئیس - آقای ملک مدنی مهندس معظی - مدت معنی ندارد.

ملک مدنی - شرکت تلفن در تمام ولایات تأسیسات دارد (یک نفر از نمایندگان - که جادارد) هر جا که شما بفرمائید تأسیسات دارد منتهی ناقص است باید رفع نواقص را کرد و البته اغلب شهرستانها و بعضی قصبات هم حق دارند بعلاوه لایحه ای که دولت آورده و بمجلس تقدیم کرده و مشغول بتصویب هستیم این یک اختیار تامی است که دولت و وزارت پست و تلگراف مجاز میشوند که تمام نواقص تلفنی طهران و ولایات را مرتفع بکنند بنده با نظر جنابعالی موافقم که البته باید توجه به شهرستانها و قصبات هم بشود ولی ملزم کردن دولت در اینکه در ظرف یک مدت معینی این کار را بکنند صحیح نیست بنده تقاضا میکنم از آقای کههد که پیشنهاد خودشان را پس بگیرند و اختیار را بخود دولت بدهند که همانطوریکه لایحه کلی است نسبت بولایات و مرکزها هم باشد (صحیح است)

شمس قنات آبادی - پس بگیرد آقا ما خواهش میکنیم که در ساوجبلاغ هم پست و تلفن دایر بشود

کههد - یکسال پیشنهاد کردم آقای وزیر پست و تلگراف موافق نیستند لابد با پنجاه سال موافقت

نایب رئیس - مسترد کردید آقای کههد؟

کههد - غیر رای بگیرد

چند نفر از نمایندگان - مسترد داشتند

نایب رئیس - نظر شما چیست آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - بنده موافق نیستم

مهندس رضوی - قابل طرح نیست

وزیر پست و تلگراف - بنده عرض کردم که نظر جنابعالی را تأمین خواهم کرد

کههد - چون قول دادند که نظر بنده را تأمین بکنند بنده پس میگیرم (نایب رئیس - احسن است)

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم ماده سوم بطریق زیر اصلاح شود ماده سوم - مکالمات تلفنی بگرمربوط در ارتباطات تلفنی نیز مستقیماً بوسیله دولت

اداره میشود و برای تهیه امور شرکت سابق تلفن و تکمیل و حسن اداره و بهره برداری از موقوفات در کلیه نقاط کشور به وزارت پست و تلگراف اجازه داده میشود بانصد میلیون ریال از بانک ملی وام گرفته در ظرف دو سال با تأمین اعتبار لازم در بودجه خود یا بهره ۳ درصد وام مزبور را مسترد دارند. جواد هاشمی

نایب رئیس - چون آقای جواد هاشمی نیستند پیشنهاد دیگری قرائت می شود

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده سوم سطر اول بعد از کلمه شهرها جمله «فصبات و دهات کشور» اضافه شود. **نایب رئیس** - آقای نریمان **نریمان** - بطوریکه آقایان ملاحظه فرمودند این قانون برای ملی شدن تلفن در سراسر کشور است فصبات و دهات مملکت هم جزء کشور هستند علت ندارد که شما بخواهید در وضع ولایات اصلاح بکنید و بقصبات و دهات توجهی نکنید (صحیح است) این دهات و فصبات هستند که ما را نگهدارند چرا ما سعی از این دهات و فصبات نبریم (صحیح است) چرا بایستی محروم باشند از وسائل زندگی.

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف.

وزیر پست و تلگراف - پیشنهاد جناب آقای نریمان را قبول میکنم.

نایب رئیس - به پیشنهاد آقای نریمان رای گرفته میشود آقایانی که موافقت قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

ضمیمه ماده می شود پیشنهاد دیگری قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده سوم بدین ترتیب اصلاح شود. ماده سوم - از تاریخ تصویب این قانون مؤسسات تلفنی در کلیه نقاط مملکت دولتی شناخته می شود و اداره امور و بهره برداری از آنها براهایت قوانین مالی بعهده وزارت پست و تلگراف است. مشار

نایب رئیس - آقای مشار **مشار** - در ماده سوم پیشنهاد دولت اینطور در نظر گرفته شده است برای تأمین و نگهداری و بهره برداری وزارت پست و تلگراف به نمایندگی دولت باید شرکتی بنام شرکت سهامی تلفنی ایران سرمایه پانصد میلیون ریال تأسیس نکند بنده ملتفت نشدم وقتی که وزارت پست و تلگراف يك قرض معتدنی را بعهده میگردد و از بانک وام بگیرد و بنام صاحبان سهام تعهد میکند که بپردازد بآن ترتیبی که در نظر گرفته دیگر عنوان شرکت اساساً چه موضوعی دارد وزارت

پست و تلگراف يك اداراتی دارد مربوط بارتباطات که عبارتست از پست و تلگراف و تلفن هم حتماً باید ضمیمه این وزارتخانه باشد و باین اختراعات عهده و دستگامهائی که تهیه شده است که تلگراف و تلفن در آن واحد بایک سیم مخابرات میشوند و همچنین دستگامه های بی سیمی که از آنهم تلگراف و تلفن استفاده میکنند و دستگامه های خاصی هم است که عبارتست از باسیم و بی سیم که هر دو کار را ابتداء با سیم انجام میدهند وقتی که بموانعی برخورد بکنند بی سیم می کنند و کارها را از هرجهت تسهیل می کنند دیگر این که شرکتی تشکیل بدهند بنده نفهمیدم شرکت دیگر چه مناسبتی دارد پستی هست تلگرافی هم هست و تلفن هم اداراتش هست بنده بنظر رسید اگر باین ترتیب اصلاح شود که از این تاریخ کلیه مؤسسات تلفنی در کلیه نقاط کشور هرچاهست دولتی شناخته شود و بهره برداری از آنها مطابق مقررات قوانین مالی بعهده وزارت پست و تلگراف باشد فقط يك اداره ای بدارت وزارت پست و تلگراف افزوده می شود که اداره تلفن است و صاحب ترش بمقدمه من این جور است دیگر تأسیس شرکت معنی ندارد فقط شرکت تلفن فرضی که بیانک دارد دولت آن قرض را بعهده بگیرد و فروزش رایبانک میپردازد آنها را که شرکت از مردم گرفته است و تعهد داده آنها را بیک عناوینی بپردازد بنابراین عنوان شرکت موضوعی نخواهد داشت

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - عرض کنم علتی که ما جانشین شرکت سابق را بیک شرکت دیگری قرار دادیم از لحاظ این بود که برای توسعه تلفن اینها يك دست بازی داشته باشند (مشار) از لحاظ بهره برداری عرض کردم عرض کردم وقتی تابع وزارت پست و تلگراف بشود مقررات جاری کشور شامل او میشود و بآن مقررات توسعه تلفن غیر مستقیم فرض بفرمایید در ولایات بخواهیم توسعه بدهیم امروز محتاج می شود که از مردم وام بگیرد این شرکت يك شخصیت حقوقی دارد در صورتی که وزارت پست و تلگراف اگر بخواهد شاید موفق نشود

نایب رئیس - آقای اخگر مخالف این پیشنهاد

مشار - بنده پس گرفتم **نایب رئیس** - پیشنهاد دیگری قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

این جانب پیشنهاد میکنم بهره زبر به ماده سوم اضافه شود

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

این جانب پیشنهاد میکنم بهره زبر به ماده سوم اضافه شود

تصویب - شرکت سهامی تلفن ایران میتواند در ولایات اداره امور تلفن را به اشخاص و یا شهرداریها طبق شرایطی که بتصویب هیئت مدیره شرکت خواهد رسید واگذار نماید. **نمایندگان** - آقای کعبه پس گرفتند

کعبه - اجازه بفرمایید بنده توضیح بدهم پیشنهاد بنده مخالف ملی شدن نیست بهیچ عنوان **شمس قنات آبادی** - خودتان مرقوم فرمودید این پیشنهاد را؟

کعبه - بله آقا اجازه بفرمایید عرض کنم پیشنهادی که بنده دادم صحیح هم باجناب آقای وزیر پست و تلگراف صحیح کردم بخودشان هم توضیح دادم منظور اینست که شما در ولایات وقتی که اشخاصی حاضر شدند که تلفن را اداره کنند بایک شرایط خاصی یا شهرداریها چه مامی دارد که آنها شرایط شماره قبول کنند که فرض بفرمایید در دهات و فصبات صد شماره دویست شماره بگذارند و تحت نظر شرکت تلفن و مطابق قراردادی که با شرکت تلفن میکنند این کار را صورت بدهند (مهندس فروری - با این توضیحی که فرمودید پس بگیرید بهتر است) بنده پس میگیرم

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت شود

(شرح زیر خوانده شد)

اینجانب پیشنهاد مینمایم در ماده ۳ بعد از کلمه تهران (مطابق قانون تجارت) افزوده شود. **کعبه** - عده ای از نمایندگان پس گرفتند **نایب رئیس** - آقای کعبه **کعبه** - ملاحظه بفرمایید اینجا نوشته شده است برای تأسیس و نگهداری و برقراری تلفن در تمام شهرها وزارت پست و تلگراف نمایندگی دولت شرکتی بنام شرکت سهامی تلفن ایران با سرمایه پانصد میلیون ریال بنده اضافه کرده ام (مطابق قانون تجارت) زیرا هر شرکتی باید مطابق قانون تجارت تشکیل شود (فرزانه - اگر مطابق قانون تجارت نباشد که شرکت نمیشود) (مصدقی - وقتی شرکت سهامی ذکر شد مطابق قانون تجارت هم خواهد بود)

جناب آقای وزیر پست و تلگراف توجه بفرمایند چون مربوط با قانون است چون عبارت از ۵۰ هزار سهم ده هزار ریالی است بنده اینجا فقط يك کلمه اضافه کرده ام (وکیل - پور - این حشو قبیح است) (امامی اهری - این توضیح واضحات است)

عده ای از نمایندگان - پس گرفتند آقایان پس گرفتند

وزیر پست و تلگراف - تشکیل شرکت اساساً مطابق قانون تجارت است.

نایب رئیس - آقای وکیل پور مخالفند بفرمایند **وکیل پور** - عرض کنم این پیشنهادی که... **کعبه** پس گرفته آقایان نظر را آقای وزیر پست و تلگراف تأمین کرد

نایب رئیس - پس پیشنهاد دیگری قرائت شود (بشرح زیر قرائت شد) این بنده پیشنهاد میکنم در ماده سوم و تبصره آن بعد از کلمه شهرها فصبات هم علاوه شود ذکاتی

نایب رئیس - مشابهش تصویب شده پیشنهاد دیگری قرائت شود (پیشنهاد آقای شبستری بشرح زیر قرائت شد) پیشنهاد میکنم در تبصره ماده ۳ بعد از جمله (و هم چنین ارتباط تلفن) کلمه عمومی اضافه شود.

نایب رئیس - آقای شبستری

شبستری - چون ارتش هم تلفن دارد و ما نمیتوانیم آن را قاطعی پست و تلگراف بکنیم باین مناسبت عرض کردم تلفن عمومی منظور گردد (سید شمس الدین قنات آبادی - جناب آقای شبستری ما نفهمیدیم) عرض کردم ما دو جور تلفن داریم يك ارتباطات ارتشی داریم که تابع وزارت پست و تلگراف نیست و تبصره این ماده هم ارتباطات را انحصار کرده است به وزارت پست و تلگراف پیشنهاد کردم آن کلمه عمومی اضافه شود

وزیر پست و تلگراف - این را قبول میکنم

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای شبستری آقایانی که موافقت قیام کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد پیشنهاد دیگری قرائت شود (شرح زیر قرائت شد)

اینجانب پیشنهاد مینمایم تبصره ذیل در آخر ماده ۳ به عنوان تبصره اضافه شود.

تبصره - دولت مکلف است در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون کلیه تأسیسات تلفنی غیر از تأسیسات متعلق بشرکت سهامی کل تلفن ایران را نیز بتصرف خود در آورده و حقوق صاحبان امتیاز آنهارا بنحو عادلانه ای تعیین و طبق آئین نامه ای که بتصویب هیات وزیران خواهد رسید بپردازد.

دکتر کیان

نایب رئیس - آقای دکتر کیان

دکتر کیان - منظور بنده از این پیشنهاد این بود که هر چند اصل ملی شدن تلفن در تمام ایران در ماده اول این قانون تصویب شد باینجهت وزارت پست و تلگراف مکلف است که امور تلفن را در ایران

مطلقاً در دست بگیرد ولی همانطور که در جلسه گذشته صحبت شد شرکت دیگری در ایران وجود دارد در ولایات که با سرمایه خصوصی اداره میشود اینست که بنظر بنده اگر این پیشنهاد بنده را تصویب بفرمایید منظور همه تأمین میشود یعنی اگر چیزی گفته نشود در موضوع پرداخت غرامت و در موضوع پرداخت حقوق صاحبان سهامش در این قانون لوئی پیدا میشود و اسباب زحمت خواهد بود و ممکن است در این جا توهم این حاصل شود که نباید این قانون شامل آن قسمت هم بشود بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که ضمناً آن موضوع هم حل شود و آنجا هم وزارت پست و تلگراف بتصرف در آورد و بعد حقوق صاحبان امتیاز آن جا راهم ترتیبی بدهد و طبق تصویبنامه در هیئت وزیران قرار پرداختش را بدهد بنا بر این در حقیقت پیشنهاد بنده برای تکمیل ملی شدن تلفن در تمام کشور و در همین حال تعیین تکلیف آن یک قسمت خواهد بود و بمقتضای من ضرورت دارد که این تصویب بشود

وزیر پست و تلگراف - در این زمینه يك پیشنهاد دیگری هم آقای مهندس غروی داده اند اجازه بفرمایید آنهم قرائت شود

نایب رئیس - آقای دکتر کبان موافقت میفرماید؟

(دکتر کبان - بله) پیشنهاد دیگری قرائت میشود

(بشیر زیر قرائت شد)
پیشنهاد می کنم ماده ذیل بجای ماده ۲ تصویب شود.
ماده ۲ - برای تاسیس و نگاهداری و بهره برداری تلفن در کلبه شهرها و وزارت پست و تلگراف و تلفن بنایندگی دولت مؤسسه ای بنام بنگاه ملی تلفن ایران با سرمایه پانصد میلیون ریال در طهران تشکیل میدهد و تمام سرمایه آن متعلق به دولت خواهد بود

احمد رضوی
نایب رئیس - آقای مهندس رضوی

مهندس رضوی - پیشنهاد بنده چیز تازه ای نیست یعنی همین پیشنهاد دولت است با این تفاوت که این کلمه شرکت را که غالباً تجاوز میکنیم از معنای حقیقیش این را بنده حذف کردم اینجا موضوع شرکت در اموریکه مربوط بنام مردم است اصلاً معنی ندارد حقیقت اینست که برای احتراز از مقررات قانون محاسبات عمومی غالب مؤسساتی را که خواسته اند با طریق بازگانی اداره بکنند بنام شرکت میخوانند از این مطلب که گذشت دیگر هیچگونه وجهه نسبتی درستی برای این قبیل اسم نخواهد بود

ملا شرکت آینده ای که باید تلفن ایران را اداره کند اگر جنبه ملی سلولود کدیگر شرکت نیست و معلوم نیست اینکهم بگوید ۱۰ هزار سهم دارد معنایش چیست؟
مطلب سهم چیست و تعهد کجندگی کیست و در مقابل کنی تعهد کرده؟ البته از نقطه نظر قانون تجارت توجهاتی میکنند ولی همه آنها موهوم است یعنی حقیقه الفاظی است و این قبیل شرکتها بمعنای حقیقی نه سهامی منتشر میکنند و نه کسی میخرد آن سهام را و نه در واقع شرکتی است بین اشخاص بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که آقای وزیر پست و تلگراف اگر مقتضی بدانند توجه کنند این مؤسسه ای که در آینده عهده دار امور تلفن ایران میشود به عنوان بنگاه ملی تلفن ایران خوانده شود و سرمایه آنهم میشود ۵۰ میلیون تومان که تمام آن هم متعلق بدولت خواهد بود و البته اگر قبول کردیم این را در باقیمانده این قانون هم هر جا جمله شرکت هست تبدیل میشود به بنگاه ملی تلفن ایران و بنظر بنده خیلی مناسب تر است

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - عرض کردم که انتخاب شرکت از لحاظ آزادی عملی است که دولت میخواهد داشته باشد و مؤسسه چون بطور کلی آن آزادی عمل را ندارد بنا بر این من تقاضا میکنم از آقای مهندس رضوی (عده ای از نمایندگان - ما نمیشنویم بفرمایید پشت تریبون) عرض کردم انتخاب اسم شرکت از لحاظ آزادی عملی بود که برای شرکت مبسر است ولی مؤسسه آن آزادی عمل را ندارد مؤسسه انحصار دخانیات ایران را فرض به فرمایند تماماً تابع مقررات مالی است مگر يك اختیارات دولتی و ما از این لحاظ نمیتوانیم آن استفاده منظور را برای توسعه تلفن بکنیم و اجازه بفرمایید که همان شرکت باشد بهتر است - کلمه شرکت را ما از روی سابقه انتخاب کردیم ملاحظه بفرمایید بانک ملی يك شرکتی است که تمام سهامش هم متعلق بدولت است و شانزده شرکت هم سازمان برنامه دارد و بر همین اساس اداره میشود بنا بر این خیال میکنم اگر اجازه بفرمایید که همان شرکت باشد بهتر است

مهندس رضوی - بنده منظورم فقط تذکر بود و آن اشکالی که آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند کاملاً قابل رفع است و ممکن است اضافه شود که این بنگاه از لحاظ مالی تابع مقررات محاسبات عمومی نیست عمداً چون مینویسم که موجب اشکال میشود پس میگیرم
نایب رئیس - پیشنهاد دیگری

قرائت میشود
(بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنم در ماده ۳ بجای کلمه "شرکت" بکار "بنگاه" بکارند

مهندس غروی

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری قرائت شود

(بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد میکنم کلمه داخلی از تبصره ماده ۳ حذف شود

ناصر ذوالفقاری
نایب رئیس - آقای ذوالفقاری
ناصر ذوالفقاری - اینجا بنده تعجب کردم مگر در داخله کشور هم شهرهای خارجی وجود دارد که کلمه داخلی گذاشته اند؟

باینجهت بهتر است که این کلمه داخلی را بردارند (صحیح است) همان شهرهای کشور بگذارند کافی است

وزیر پست و تلگراف - صحیح است بنده قبول میکنم

نایب رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای ناصر ذوالفقاری آقایانی که موافقت قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)
تصویب شد پیشنهاد دیگری قرائت شود

(بشرح زیر قرائت شد)
پیشنهاد می کنم تبصره زیر ماده ۲ اضافه شود

وزارت پست و تلگراف مکلف است بمحض تصویب قانون تاسیس تلفنهای خود - کار شهرهای ایران را با در نظر گرفتن نفوس شهرها شروع و در ظرف دو سال تلفنهای موجود را بتلفون خود کار تبدیل نماید

نایب رئیس - آقای گنجینه
گنجینه - آقای وزیر پست و تلگراف مستحضرنند که وضعیت تلفن شهرستان های ایران هزار مرتبه بدتر از وضع تلفن طهران است (صحیح است) (نادعلی گریبی - مخصوصاً تلفن کرمانشاه) همه جا اینطور است حالا که این اقدام اساسی بعمل آمده بنده منظورم این است که این عملیات منحصراً در تهران انجام نشود و شهرهای دیگر هم از این عمل استفاده کنند مثلاً شهر تبریز ما يك تلفنی دارد که واقعاً نمونه از تباط تمام دستگاههای دنیا است بمساحت تمام که زنك بزید تازه معلوم میشود که بایستی پیاده می رفتیم و بمقصد میرسیدیم اینست که خواهش میکنم تلفنهای خود کار شهرهای بزرگ را هم از همین فردا که این قانون تصویب شد شروع بکنند تا شاید تا سال دیگر هم شهرهای دارای تلفن خود کار شوند خیال

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - قبول می کنم
نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای نریمان آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد
پیشنهاد دیگری خوانده میشود
(بشرح زیر خوانده شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم تبصره ماده ۳ لایحه دولت که از این نظر میسرند حذف شود
نایب رئیس - آقای نریمان

میکنم مدت کافی هم تعیین کرده ام برای این کار
نایب رئیس - آقای اشکر مخالفید بفرمایید
اشکر - بنده خیال میکنم پیشنهاداتی که میشود بایستی عملی شدنش را هم در نظر گرفت این پیشنهادی که فرمودید در مدت دو سال این کار انجام بشود عملی نیست بنا بر این تقاضا میشود (گنجینه - چرا؟) اصل مطلب اینست که دولت میخواهد این کار را بکند و این لایحه را هم برای همین آورده و بایستی دولت اختیار داد که بدو نظر گرفتن زمانی که تهیه این وسایل لازم است کار خودش را بکند بیخود چرا دست دولت را ببندیم يك وقتیکه شاید عملی نباشد باینجهت بنده تصور میکنم اگر دست دولت را باز بگذارند بهتر باشد (امامی امری - يك صفری هم جلویش بگذارید بشود ۲۰ سال) ۲۰ سال هم خوب نیست زیاد است پس بگیرند بهتر است

نایب رئیس - پیشنهادتان را پس میگیرید؟
گنجینه - پس نمیکیرم رأی بگیرم

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای گنجینه آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد
جزء ماده می شود پیشنهاد دیگری قرائت می شود

(بشرح زیر قرائت شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد می کنم در تبصره ماده ۳ لایحه دولت در سطر دوم این تبصره بعد از کلمه (میان) جمله (شهرها و قصبات و دهات کشور) گنجانده شده و کلمات (شهرهای) و (داخلی) حذف شوند
نریمان

نایب رئیس - آقای نریمان
نریمان - عرض کنم پیشنهاد اول بنده راجع باینکه تلفن تأمین داده شود بهدهات و قصبات تصویب شد پس باید این کلمات هم درست شود و کلمه داخلی هم که تصویب فرمودند حذف شود اینست که پیشنهاد بنده عیناً تصویب شده است

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - قبول می کنم

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای نریمان آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد
پیشنهاد دیگری خوانده میشود

(بشرح زیر خوانده شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم تبصره ماده ۳ لایحه دولت که از این نظر میسرند حذف شود
نایب رئیس - آقای نریمان

فریمان - لکن این مصوب می شد آن یکی دیگر مورد نداشت و قلمبه کلبه ارتباطات تلفنی مملکت در دست واحدی قرار گرفت بقیه بنده دیگر این بصره زائد خواهد بود برای اینکه این ارتباطات تلفنی باسیم و یا بیسیم چه فرقی میکنند برای قانونگذار یا بوسله شرکت اداره شود یا بشگاه وزارت پست و تلگراف آزاد است از هر یک از این دستگاهها که بخواهد استفاده کند

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف توضیحی دارید بفرمائید

وزیر پست و تلگراف - عرض کنم ما این تفاوتی را که اینجا قائل شدیم از این نظر است البته هر دوی آنها تحت نظر وزارت پست و تلگراف است اداره میشود ولی قسمت ارتباط تلفن باسیم و بیسیم خارج کشور این اداره اش الان موجود است و ما نخواستیم که این ادارات را فوراً داخل عملیات شرکت کنیم این بود که گفتیم فعلاً این دو تا مجزا باشند تا اقدامات خودشان را انجام بدهند و شرکت هم کارهای خودش را بکند و بیشتر وقتش گرفتار آنها نشود از این جهت قائل بتفکیک شدیم و البته بعدها اینکار را خواهیم کرد

فریمان - بنده پس گرفته ام آقای **نایب رئیس** - پیشنهاد دیگری فراتر میشود (پیشنهاد دیگر آقای فریمان بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم بصره زیر بماده سوم اضافه شود

بصره - در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت سهامی تلفن ایران وزیران پست و تلگراف و تلفن و دارایی و اقتصاد - ملی نمایندگی سهام دولت را خواهند داشت و کلیه تصمیم هائی که نمایندگان سهام دولت در موضوعات اساسنامه و یا تصویب بیلان عمل کرد سالانه و بودجه چیم و خرج و هم چنین تعیین و تا تغییر مدیر عامل و دو نفر اعضای دیگر هیئت مدیره و سه نفر اعضای بازرسان شرکت اتخاذ می نمایند بر حسب موافقت قبلی هیئت دولت نیست بآن مطالب خواهد بود چنانچه استثناء در حین مدت مقرر در اساسنامه شرکت تعیین اعضاء هیاتهای مدیره و بازرسان ضرورت پیدا کند این تغییر حتماً باید متکی بجهات و دلایلی باشد که هیئت وزیران را قانع کند داشتن تخصص لازم یکی از اعضاء هیئت مدیره در امور فنی تلفن الزامی است

بصره - تعرفه حق الاشترک و بهای مکالمات تلفن و میزان حقوق اعضاء هیاتهای مدیره و بازرسان شرکت هم چنین تعیین تعداد و نوع و مهلت نقلیه هواری مورد احتیاج شرکت و طرز و حدود استفاده از آنها که

منصراً مربوط با احتیاجات و کارهای اداری باید باشد پیشنهاد دولت بتصویب کمیسیون های پست و تلگراف و تلفن و بودجه مجلس شورای ملی خواهد رسید و در باب هر گونه وجهی از مشترکین و استفاده کنندگان از تلفنهای عمومی بفر عنوان زاید بر آنچه در تعرفه مصوبه تعیین شده ممنوع است

آئین نامه استخدامی کارمندان و کارکنان شرکت که در آن طریق استفاده و میزان حقوق خدمت و بازنشستگی کارمندان و سایر مسائل مربوطه تعیین شده باشد با پیشنهاد دولت بتصویب کمیسیونهای امور استخدامی و پست و تلگراف مجلس شورای ملی خواهد بود

ناظر زاده - بنده که خواندم ولی این آئین نامه شرکت بود

نایب رئیس - آقای فریمان **فریمان** - بنده متأسفم که این دو بصره بکفوری طولانی است ولی لازم است (فناات آبادی - خیلی هم طولانی بود) علتش را هم عرض کنم همانطور که جناب آقای مهندس رضوی فرمودند این تشکیل شرکت برای کارهای دولتی صحیح نیست و فقط برای احتراز و فرار از مقررات از قانون محاسبات عمومی است و با اصلاح برای پیدا کردن آزادی عمل است که همین آزادی عمل هم بقیه من مضر است بجهت اینکه اینها بودجه شان نمی آید بمجلس تصویب شود و مخارجی که می کنند معلوم نیست و درآمدهای آنها هم معلوم نیست اینست که بنده پیشنهاد کردم دو قسمت را یکی را تحت اختیار دولت گذاشته یک قسمتش را هم مرتبط کردم بکمیسیونهای

مربوطه مجلس شورای ملی که تکلیفش را معلوم کند این مطلب را هم عرض کنم اولاد را لایحه پیشنهادی ذکر نشده که نماینده صاحب سهم کی باشد؟ بنده پیشنهاد کردم که وزرای پست و تلگراف و تلفن و دارایی و اقتصاد ملی نمایندگی صاحبان سهام در مجمع عمومی باشند (مهندس حسینی - این حرف صحیح است) و تصمیماتی که میگیرند یک قسمت از تصمیمات اساسیشان باید بتصویب هیئت دولت برسد چرا؟ بجهت اینکه شرکت صاحب سهمش دولت است (حسینی - این هیچ عملی نیست) ملاحظه بفرمائید زیرا اساسنامه شرکت اهمیت بسیار فراوانی دارد در جریان کار شرکت اگر این اساسنامه قبلاً بتصویب هیئت وزیران برسد و بعداً بمرحله عمل در بیاید بهتر است (مهندس حسینی - دولت خودش صاحب سهم است) اینجا نوشته شده برای تأسیس و نگهداری و بهره برداری تلفن در کل شهرها وزارت پست و تلگراف نمایندگان دولت... اینجا وزارت پست و تلگراف همه کارها را خودش میکند نمایندگان دولت این است که بنده این بصره را پیشنهاد کردم که موافقت

رفع شود و این اقدام اساسی که باید تصمیمات اینطرفه صاحب سهم گرفته شود از طرف دولت گرفته شود (مهندس حسینی - این نظر با قسمت اول تأمین میشود) ممکن است آن سه نفر تصمیماتی بگیرند که دولت با آن موافق نباشد اینها را بنده در این پیشنهاد مشخص کردم - موضوعات اساسنامه بیلان عملیات سالانه، بودجه خرج و دخل و تعیین مدیر عامل - یکی از بزرگترین بلیت تغییر هیات مدیره و مدیر عامل است از این جهت که هر وقت میخواهند یکی از عزیزان و نور چشمها را کاری بدهند هیات مدیره را که سه نفرند تصویب نامه صادر میکنند یا در مجمع عمومی میگویند خوبست هیات مدیره را رفت نفر کنیم عده بازرسان را سه نفر میکنند حقوقهای آنها را هر چه بخواهند اضافه می کنند هر روز تغییر و تبدیل می دهند با این ترتیب شرکت کارش پیشرفت نمیکند بایستی یک ثباتی در کارش باشد و ثباتش تأمین نمی شود مگر اینکه هیات مدیره را اگر بخواهند تغییر بدهند بایستی با تصویب هیئت وزیران باشد و با دلایل موجه یعنی هیات دولت قانع بشود که این تغییر چه منظور داده میشود (مهندس حسینی - باید در اساسنامه باشد مثل مال سازمان برنامه و شرکتهای دیگر) یکی هم در بصره دوم است که حتماً یکی از افراد هیات مدیره دارای اطلاعات فنی باشد این را که دیگر هیچیک از آقایان منکر نیستند ولی وقتی در قانون تصریح شود البته بهتر است قسمت دوم راجع بتعرفه حق الاشترک و بهای مکالمات تلفنی است عرض کنم در این قانون چیزی پیش بینی نشده امنیت و مشترکین این مملکت دستخوش تصمیمات شرکت تلفن خواهند بود تا بحال شرکت تلفن خودش نمیتوانست تعرفه زبالا ببرد مجبور بود که

هیات وزیران تصویب کنند و وزارت پست و تلگراف و تا بحال هم آقایان اطلاع دارند که دولت موافقت نکرد با بالا بردن تعرفه ولی وقتی این کار دست خود وزارت پست و تلگراف باشد بقیه بنده صحیح نخواهد بود چون ممکن است شرکت درآمدی نداشته باشد یا خرجهای بیش خواهند آمد از لحاظ حقوق هیات مدیره و اتومبیل و خرجهای دیگر آن وقت میروند سراغ مشترکین را می گیرند که در مالک همجواری ما ۵۰ تومان می دهند چرا ما ماهی ۵۰ تومان تکلیفیم و همین طور جلو میروند بنده از لحاظ این که این یک نوع مالیاتی است معتقدم که کمیسیون های مجلس اقل باید این را تصویب کنند و زائد بر آن چه که برای تعرفه ها در این کمیسیونها تصویب می شود نباید گرفت موضوع دیگری که در این بصره مخصوصاً در نظر گرفته شده وضع استخدامی کارمندان شرکت است کارمندان شرکت فعلاً یک وضع مبنی بر ارتقاء و یک آئین نامه ای دارند ولی وقتی میخواهند وزارت پست و تلگراف را بشوند آن وقت مقرر میکنند باین است که

وزارت پست و تلگراف چه تصمیماتی در این باره بگیرد بقیه بنده لازم است این تصمیمات را در مجمع عمومی تصویب کنند و تا آن وقت که این تصمیمات در مجمع عمومی تصویب نشود وزارت پست و تلگراف نمیتواند این کارها را بکند و تا آن وقت که این تصمیمات در مجمع عمومی تصویب نشود وزارت پست و تلگراف نمیتواند این کارها را بکند و تا آن وقت که این تصمیمات در مجمع عمومی تصویب نشود وزارت پست و تلگراف نمیتواند این کارها را بکند

وزارت پست و تلگراف چه تصمیماتی در باره آنها بگیرد بقیه بنده لازم است این تصمیمات را در مجمع عمومی تصویب کنند و تا آن وقت که این تصمیمات در مجمع عمومی تصویب نشود وزارت پست و تلگراف نمیتواند این کارها را بکند

نایب رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف

وزیر پست و تلگراف - عرض کنم بیشتر نظریات جناب آقای فریمان ضمن اساسنامه و آئین نامه شرکت تأمین خواهد شد و راجع بقیمت تعرفه هم ما هیچ وقت آزادی عمل را برای شرکت یا برای وزارت پست و تلگراف قائل نشدیم در نظر هم هست که در اساسنامه ذکر شود همیشه این سنتی که بوده باقی باشد یعنی همیشه بایشهاد وزارت پست و تلگراف و تصویب هیات وزیران باشد که اینک این شرکت هم همین عمل را می کرد و حالاً هم همینطور در نظر است راجع بصاحبان سهام اینجا فقط برای تشکیل شرکت نوشتیم وزارت پست و تلگراف برای اینکه یک رابطه ای باشد ولی صاحبان سهام در خود اساسنامه همانطور که نظر جناب عالی است تأمین خواهد کرد ولی راجع بتعداد اعضاء هیات مدیره و وضعشان و حقوقشان و اتومبیل و اینها جناب آقای فریمان مطمئن باشید که ما منتهای دقت را خواهیم کرد و تعیین تکلیفش را در اساسنامه خواهیم کرد و این را همانطور بنظر هیات مدیره و پست و تلگراف و وزارت پست و تلگراف نخواهیم گذاشت بنابراین تصور می کنم با این ترتیب نظر جناب عالی در اساسنامه و آئین نامه هائی که بتصویب هیات دولت خواهد رسید تأمین خواهد شد

نبوی - اخطار نظامنامه ای دارم **نایب رئیس** - طبق چه ماده ای؟ **نبوی** - یک ماده است در آئین نامه که پیشنهادها باید مرتبط با ماده ای باشد که مطرح است پیشنهاد جناب آقای فریمان البته بلاوجه مرتبط است ولی باین ماده مربوط نیست با اضافه خیلی مفصل است بنده که ملتفت نشدم شاید سایرین هم متوجه نشده باشند (فریمان - اجازه بدهید توضیح بدهم) و برای اینکه هم رعایت آئین نامه شده باشد و هم آقایان خوب بفهمند این را خوبست بصورت یک ماده الحاقیه لطف کنید و در موقع قرائت میشود و تصویب گرفته میشود حالا ارتباطی با ماده بخصوصی ندارد و تمام قسمت هائی که فرمودند مرتبط نیست بنابراین فکر می کنم که رای نمیشود گرفت

نایب رئیس - پیشنهاد دیگری

پیشنهاد می‌نمایم

حائری زاده

مقامات لازم برسد در این خصوص من این

(اکثر برخاستند) تصویب شد

فرائت میشود

(پیشنهاد آقای شهیدی شرح زیر)

نایب رئیس - این را اجازه بفرمائید

نایب رئیس - این را اجازه بفرمائید

پیشنهاد آقای شهیدی شرح زیر

(۴) تعیین موقع و دستور

جلسه بعد - ختم جلسه

نصبت عملاً میفرمائید بصورت ماده العاقبه

تقدیم شود بنده حرفی ندارم با آقای نریهان

می نشینیم و ماده العاقبه مینویسیم از موقع استفاده

نمیکنم يك فرمایشی جناب آقای وزیر بیست

و تلگراف فرمودند صاحبان سهام مقصودند

من آنها را قاصر هم نمی دانم و دوات که

نظارت در امور دارد مقصود است به آقای

وزیر بیست و تلگراف دوات مقصود حقیقی

است نه صاحبان سهام

نایب رئیس - چون پیشنهادهای ماده

سوم تمام شده رای میگیریم بماده سوم البته

با اصلاحات آقایانی که موافقت فرمایند

نایب رئیس - با اجازه آقایان جلسه

ختم میشود چون روز یکشنبه و ۳ شنبه

مصادف با ایام سوگواری است جلسه روز

۵ شنبه بیست و نهم ساعت سه قبل از ظهر

خواهد بود دستور هم بقیه این لایحه

(مجلس یکساعت وسی و پنج دقیقه

بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی -

ذوالفقاری

ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد می

نمایم در تبصره ماده ۳ بجای جمله شهرهای

داخلی نوشته شود شهرها و قصبات و دهات

داخلی کشور

نایب رئیس - تأمین شده است پیشنهاد

دیگری فرائت میشود

(بشرح زیر فرائت شد)

تبصره - حق الاشتراك نباید بدون

اجازه مجلس شورای ملی اضافه شود

تبصره فوق را برای العاق بماده سوم

حائری زاده - اجازه بفرمائید چون

روی این موضوع صحبت شده توضیح بدهم

(کریمی - مخالفی نیست) ما در این چند

سال مشروطیت دولتهای جور و اجوری داشته ایم

همیشه بایستی فکر کنیم که يك دوات

هائی که اسباب زحمت مردم هستند سرکار

هستند تا دچار اشکال نشویم همیشه باید محکم

کاری کرد این حق الاشتراك وقتی که بنا

باشد از مردم پول بگیرند يك قسم مالیاتی

است مثل آن تلگراف است و باید بتصویب